

ناپودن یاد امیر یالیسم جهانی  
سرگرد کی امیر یالیسم امریکا  
و پایگاه د خلیش

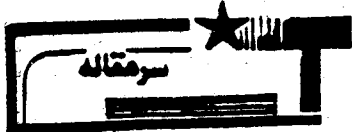
کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال ششم - شماره ۱۸۶

پنجشنبه ۲۹ آذر ماه ۱۳۶۳

صفحه ۱۸



عرفات سازمان آزادبخش فلسطین را  
به کجا میبرد؟  
و چپ انقلابی چه راهی در پیش دارد؟

کوششهای ماههای اخیر برای جلوگیری از یک شکاف اجتناب ناپذیر در سازمان آزاد بخش فلسطین با ناکامی روبرو گردید و آنچه تاریخاً می باید به وقوع می پیوست صورت گرفت.

واقعیت اینست که ترکیب ناهمگون و تضاد نیروهای درون سازمان آزاد بخش فلسطین به مثابه انعکاس تضاد ها و کراپهاست طبقاتی متفاوت در میان مردم فلسطین، اتا زمانی می توانست تحت الشعاع تضاد اساسی باد شمن اصلی و خارجی یعنی صهیونیسم اشغالگر قرار گیرد که آمدن او واقعی مشترک، حقیقتاً موجود بود میسر میسر میسر نیز در فعالیتهای روزمره آن نیروها بصورت ملموس جاری باشد. یعنی آنکه نیروها در برنامه و در عمل خود همچنان استراتژی را دنبال کنند که چشم انداز روشنی بخش واقعیت و تحقق آرزوهای رهائی بخش را بصورت ملموس تلقین نماید، کارگران و زحمتکشان و عموم بقیه در صفحه ۲

## پیام کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت آغاز برنامه رادیو صدای فدایی

### بودجه ۶۴: افزایش تورم، رکود و بیکاری

بودجه سال ۶۴ در زمانی بمجلس ارائه شد که بحران اقتصادی - سیاسی ابعاد بی سابقه ای یافته است. فقر و فلاکت و صومرزی تو در تو تشدید شده و ناراضی نگ جامعه را فرا گرفته و اعتراضات آشکار توده های قوس صمدی می پیچاید. تناقضات

جناحهای حاکم تشدید شده و امر وحدت در میان آنها که بمسالهای مبرم و حیاتی اما غیر قابل دسترس تبدیل شده است. از هم گسیختگی اقتصادی و سیاسی و ناراضی تو در تو می بادی رسیده است که امید امام را هم به تکاپو بقیه در صفحه ۲

### ساخت اقتصادی روستاهای ایران و قشر بندی دهقانان (۴)

در اوایل دهه ۱۳۳۰ رژیم حاکم دچار بحرانی شد بد شد. بحران اقتصادی - سیاسی سالهای فوق الذکر در وجه غالب اساساً تناقضات روستایی در آن گداز را منعکس می نمود. لذا تغییر در ساختار اقتصادی - اجتماعی ایران الزام آور بود. اما در خلا یک جنبش انقلابی - دموکراتیک شیوه ارتجالی - بوروکراتیک تحولات که محور آنرا اصلاحات ارضی امیر یالیسمی

تشکیل می داد، به جامعه مسلط شد. بطور عده و آماج اصلاحات ارضی عبارت بودند از: ۱- آزمان برد اشتراکات توسعه سرمایه داری و لذا تسهیل شرایط صدور سرمایه مالی، ادغام ارگانیک سرمایه داری ایران در بازار جهانی سرمایه داری و بسط پایگاه داخلی امیر یالیسم ۲- از میان برداشتن زمینهای بالقوه جنبش های رهایی بخش ضد استعماری بقیه در صفحه ۲

### در این شماره

○ پیام هیئت تحریریه...

○ یادداشت های سیاسی

○ضمیمه خبری

### بخش نشریات سازمان در خدمت جنبش انقلابی

با بهای رشد آگاهی تو در تو و روی آوری آنها به سازمان انقلابی، دیگر سرکوب و گشتار بقدر روح نقش باز آورنده خود را از دست می دهد. هر چند که بشود وظایف انقلابی به نامنگه همچنان باد شراره های مبارزه می باشد اما ابتکار انقلابی برای مقابله با آن بهترین راه گشاست. رژیم

هر روز به نوعی برکت های رنگارنگی می افزاید. تمامی ارگانهای سرکوب و آرای گشهای طنی و مخفی هستند و عوامل مسلح رزیم چون سگانی ولگرد بطور شبانه روزی در هر کجای و خیابان خفیه در آزند و برای شکار انقلابیون در آمیخته ترند. در سایه حکومت بقیه در صفحه ۱۳

کمیته های مخفی اعتصاب را برای برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایجاد کنیم

عرفات سازمان آزادیبخش فلسطین را

به کجا میبرد ...

تودمهای تحت ستم را بشوراند ، مبارزات  
آنتی راسیستی انقلابی بخشد و در سطح  
مختلف بسوی هدف مشخص رهبری نماید .  
اما آیا سازمان آزادیبخش فلسطین بسا  
ترکیب ساختار رهبری و ضمن حقیقی  
برنامه ای می توانست از عهده چنین امر  
مهمی ببرد ؟

اگر شکست خفت بار ۱۹۶۷ ارتش های  
پرسیده و جدا از مرد وابسته به دولتهای  
عربی از اسرائیل در جنگ ۶ روزه لازم بود  
تا برای همیشه به اسطوره شایستگی یهودزای  
عرب در پرچم آری جنبش ملی انقلابی ،  
ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی پایان  
دهد و بر ضرورت بسیج تودمها و رهبری  
انقلابی آنان در یک جنگ تمام عیار خلقی  
تاکید کند ، اما خلاصه رهبری انقلابی در  
جنبش فلسطین موجب آن شد تا هرگونه  
حمایت بهدربار زحمتکشان خلقهای عرب از  
سازمانهای مختلف فلسطینی ، کموجودیت  
و اعتبار خود را بر مبنای عملیات فدائی و جنگ  
های پارتیزانی بودند ، نتواند بدست  
سخت و سود آور شود و نهایتاً باعث  
قدرت گیری کرایشات سازشکارانه یهودائی  
و خرد یهودزائی در رهبری سازمان آزادیبخش  
فلسطین ، برغم بسیاری از دستاوردها درنگ  
این جنبش از شکستی به یک شکست دیگر  
کشاید شود .

آخرین شکست ، بعد از مقاومت تاریخی  
بهرت یعنی پراکنده شدن زخمی نیروهای  
چریکی این جنبش در اردو و کالیفرنیا تحت  
نظارت دولتهای عربی ، بدنبال آن تشدید  
مداخلات داخلی حاکم از مجموعه تشاد های  
بمبنیهای عربی که هر کدام در پی بسط  
نفوذ و قومیت ارتجاعی خود در این جنبش  
می باشند ، امری که حال پیشی از نتایج  
صحت یاری در کویهای خونین داخلی  
فلسطینیان در طرابلس و دره بقاء بود ،  
ثابت کرد که مجموعه تاهلونی نیروهای  
وابسته به طبقات مختلف جامعه فلسطینی ،  
دیگر نمی توانند در زیر یک سقف سیاسی ،  
چیزی بپایان آورند . فعال مشترک و اشتها کنند  
ناگفته نماند که در این میان ، ارتجاع سوریه  
با پیشش در قاع از جنبه های مخالف عرفات  
چه در همین وجه در داخل القیچ که خود  
ملقه ای از کرایشات راست تاجب راشامل  
می شد و انفعال و حتی مواضع انحرافی  
سازمان هائی نظیر جبهه خلق برای آزادی  
فلسطین و جبهه دموکراتیک و وجود  
جریان هائی مشکوک مانند الصافه و جبهه  
خلق فرماندهی عمومی که شاخه های از ارتش  
ضد اطلاعات سوریه در داخل جنبش  
فلسطین به حساب می آیند و همدستی  
مزدوران سبای پادشاه اردن و سازمان ارتجاعی  
امل یعنی شاخه حزب الله در لبنان و نیز  
سور ارتجاعی دیگری محور مسر ،

عربستان سعودی ، اردن و دیگر شیخ  
مرتجع عرب که حامیان و مدافعین آشکار  
خطای یهودی بودند بمحاسبه می آیند . عواصم  
مهمی بودند که در تشدید مداخلات  
داخلی شدند . در زیر بار خونینی که بحر  
انزجار و نرت و تاسد همه در میان واقعی  
جنبش فلسطینی را برانگیخت و آنطور که  
انت از معرفت ، چنان زمین بس وجود آورد که  
وقتی عرفات در همین در کویهای خونین  
داخلی ، اربلس و بقاء ، مجبور به تسران  
لبنان از راه دریاشد . در میان بی تفاوتی  
نسبی اکثر عمومی فلسطینیان ، گستاخانه  
بعد از آنکه ضرر برود و آشکارا خط مشی  
واقعی خود را که همانا خط مشی یهودزای  
عرب است اعلان نماید . حرکت در مسیری  
که پایان یازدهم بر مسیحت شناختن موجودیت  
صهیونیستی اسرائیل نخواهد داشت .

کریچه در آنزمان سایر رهبران القیچ اعلام  
کردند که در جریان تصمیم عرفات قرار  
نداشته اند و مسئولیت این اقدام باصطلاح  
خود سرانه را شوجه مشخص عرفات دانسته و  
عده مواخذه وی را دانند ، اما امروزه  
با انتداب مجدد وی بعنوان رئیس  
سازمان آزادیبخش فلسطین و ابقایش  
در همان مقام رهبری القیچ طی اجلاس  
اخیر شورای ملی فلسطین ، انهم در پی  
مانوریز که در جلسات رای گیری صورت گرفت  
بهروشی ثابت شد که شورای ملی فلسطین  
در مسیری حرکت خواهد کرد که عرفات  
بعنوان مظهر سازشکاری یهودزای فلسطین  
برای آنان ترسیم نموده است ، بسوی  
یکپد یهود .

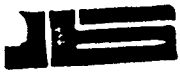
عرفات بر تودم تودمهای مردم فلسطین  
رنج سالها پرتیانی ، در بدرت و بی  
خاستگی ، کشتار و تجاوز بجان آمده اند  
سوار است و به آنها عده ایجاد وطنی  
منتقل را می دهد که می خواهد رسختن را  
از اسرائیل و امریکا که اتی کند . عدم  
توانائی تمامی جریان های چپ انقلابی  
موجود در جنبش فلسطین از قبیل جبهه  
خلق برای آزادی فلسطین ، در مسیر  
سازماندهی عمل مستقل انقلابی تودمهای  
زحمتکش چه در داخل و چه در خارج  
فلسطین و نیز پاره های اختلافات آنها که  
انعکاس ترکیب طبقاتی جامعه فلسطین و  
پراکنده گی مفراط آنان در مناطق مختلف  
است و در یک کلام فقد آن یکپدیل حقیقتاً  
انقلابی و قدرتمند در جنبش انقلابی  
فلسطین ، بهترین زمینه را برای عرفات  
بوجود آورده است تا جنبش فلسطین را با  
آنچه دستاورد ، در آستان ملک اردن ،  
فرعون مصر و سرود اردن صهیونیسم و  
امپریالیسم قریاتی کند . آنرا وسیله قرار  
دهد تا شیخ نشین در پرتی بر شیخ نشینهای  
عربی اضافه نماید . شاید یهودزای فلسطین  
زاحت تر بتواند بر موهبت استثمار نیروی کار  
زحمتکشان فلسطین سهم گردد .  
جنبش فلسطین پیش از هر زمان در یک  
اکون در مقابل این سوال قرار دارد که آیا

از این سه تجربه حوسارچگونه درس خواهد  
گرفت . هر نیروی در درون این جنبش که  
خود را انقلابی و چپ میداند در مقابل  
این پرسش مهم قرار خواهد داشت که چگونه  
می خواهد سهم خویش را در ریبورن کشاندن  
جنبش انقلابی از بحرانی اینگونه زمین او  
نماید ؟ باید با کرایشات سازشکارانه ،  
رفرمیستی و ریبورنیستی در درون جنبش  
انقلابی فلسطین تعیین تکلیف شود .  
باید با کرایشات انارشیستی که به شکلی  
دیگر ضمن طبقاتی جنبش را خدشه  
ببازار و برغم رنک و لعاب انقلابی شود  
آفرینی موقت ، فاقد محتوای انقلابی واری  
از گوهر پیگیری است مرز بندی گردد . باید  
کارگر و زحمتکش فلسطینی را از خود  
هدفت با سرمایه دار و ملک فلسطینی  
رهاند و او را به صفای حقیقی خویش  
عمیقاً آگاه کرد . باید کینه کور ضد یهود  
را که جز واکنشی کور در برابر ستمی  
نیستی اما عمیقاً طبقاتی تاریخی است  
که نه دین می شناسد و نه نژاد و رنگ ، به  
کینه ای اساساً ضد سرمایه داری تبدیل  
کرد و اثر او را بر مبارزه طبقاتی که اخته  
و صیقل داد . جنبش انقلابی فلسطین  
باید همچنان بر جوهر قهر انقلابی ضرورت  
تعیین تکلیف با دشمن در یک عرصه  
طولانی مبارزه مسلحانه تودمهای تاکیدی  
چپ انقلابی فلسطین باید ابراز  
رهبری انقلابی و خستگی ناپذیر چنان جنگ  
انقلابی را تدارک ببیند . چپ انقلابی  
فلسطین باید راه خود را در میان تودمهای  
کارگر و زحمتکش تحت استثمار و ستم تمامی  
سرمزین فلسطین اعم از عرب و غیر عرب  
هرچه بیشتر و عمیق تر باز کند . برادری  
کارگری در میان همه کارگرانی که توسط  
سرمایه بی نژاد ، بی رنگ و بی مذهب در  
تمامی سرزمین اشغال شده اش به بند  
کشیده شده اند ، ترویج و تفهیم نماید و  
پیوند جنبش انقلابی فلسطین را با جنبشهای  
انقلابی دیگر خلقهای منطقه و جهان  
گسترش بخشد . در یک کلام نقطه اتکالی  
جنبش انقلابی فلسطین ، باید از مراکز  
دولتهای عربی که خود عوامل شدیدترین  
ستمها بر زحمتکشان خویش اند ، به قلب  
کارگران و زحمتکشان در فلسطین و در  
کشورهای منطقه و در جهان منتقل شود .  
چپ انقلابی فلسطین ، راهی جز آنکه  
برشمردیم ندارد . راهی که منحصر به این  
جهان نبوده و از قانونی جهانشمول  
برمیخیزد . هیچ جنبش انقلابی نمی تواند  
بمهروری برسد مگر آنکه توسط طبقه کارگر  
و حزب انقلابی پیش که مسلح بهاید تئولوژی  
انقلابی باشد رهبری شود .

زنده باد انقلاب فلسطین



هرچه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی



# پیام کمیته مرکزی

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

## بمناسبت

# آغاز برنامه رادیکال فداائی

کارگران و زحمتکشان

لغز و هواداران سازمان

فدائی فدائی، رادیکالی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، در شرایطی کار خود را آغاز می کند که مبارزه بی آسان بود. معانی زحمتکشان مردم ایران، طبقه رژیم فوق ارتجاعی حاکم بر ایران، هرروز امتحان نویسی می یابد و وظایف مهم و متعددی در برابر جنبش طبقه کارگر ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران قرار گرفته است. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، این رژیم پاسدار نظم مستقرانه سرمایه دارن که در عرصه های مختلف اقتصادی و سیاسی با بحران زرف و مزمن روبروست و پایه های نظم مستقرانه ارتجاعی حاکم را تحت فشار می بیند، برای مهار زدن بروج عصبان و تاراجاتی بودهای مردمی، توده و سرکوب خونخیزی را به مرحله عمل در آورده است و به پشتابوری تهروریستی عربان و غنای گسختنهای را برقرار ساخته است. ستم اقتصادی و سیاسی که این رژیم بر ملیونیهائین ازانده - های مردم ایران تحمیل کرده است، در آرای آنجهان ابعادی است که نظیر آنرا کمتر می توان پیدا کرد. شرایط مادی زندگی مردم، حقیقتاً سخت و شقت بار است. سطح بسیار نازل زندگی و گرانی حیرت آور کالاها، مورد نیاز زحمتکشان، سطح بسیار نازل دستمزدها، استثمار هولناک کارگران و اردوی عظیمی از کارگران بیکار، فقر، گرسنگی و دهباصیت ارتجاعی دیگر چنان شرایط دشوار و طاقت فرسایی را پدید آورده که مردم ایران تحمل نموده است که هرگز سابقه نداشته است. این فشارهای اقتصادی با ستم و فشار سیاسی عظیمی توأم شده است. رژیمی که نه می خواهد و نه می تواند به درخواستهایی بروج و عادلانه زحمتکشان ایران پاسخ گوید، برای حفظ و بقای حاکمیت شکنج خویش، اختناق و سرکوب را محمداً رسانده است. ابتدا، تنین حقوق مدنی و انسانی را از

تودهای مردم سلب نموده است. حقوق و آزادیهای دموکراتیک را مطلقاً از میان برده است. دهها هزارتن از کارگران و روشنفکران انقلابی ایران را به محبوسه اندام سپرده است. اما رژیم به این فجایع بسنده نکرده است. در اثر جنگی که اکنون بیش از چهار سال مداوم ادامه یافته، دهها هزارتن از فرزندان زحمتکشان ایران را در میدانهای جنگ بمباران و خون کشیده است. تعدد آذوقه معلول و آوارمانا بودی روزافزون بخش عظیمی از شهروندان مادی - جامعه و جلوه های دیگری از سیاستهای فوق ارتجاعی رژیم اند. اما تمامی فجایع و مصائبی که این رژیم بیمار آورده است، او را بیش از پیش در ضلالت بحران فرو برده و تضاد های اجتماعی را عمیق تر و حاد تر کرده است. مبارزات تودهای مردم که زیر شدیدی ترین فشارهای اقتصادی و سیاسی قرار گرفته اند، مدتهاً اعتدال گسترش می یابد. انتصابات ضلالتی کارگران، بروج وحشی - گریها و ددمنشی های این رژیم پاسدار سرمایه علیه کارگران، بارزترین تجلی رشد روزافزون مبارزات تودها است. تداوم مبارزه مسلحانه تودهای زحمتکش مردم کردستان علیه رژیم نیز نخستین جرقه های این شکل مبارزه در میان مردم بیبوستان، جرقه هایی که هر دم در اینجا و آنجا، زمانی در افسرته تهران و زمانی دیگر در اجد به دیده می شود، همگی توده بخشش انفجار قریب الوقوع خشم و عصبان سراسری تودهاست. نشان دهنده این واقعیت است که بزودی حریق عظیم سراسر جامعه را فرا خواهد گرفت و تمامی مرتجعین را در آتش خود خواهد سوخت. همه علائم موجود نشان دهنده این واقعیت است که سقوط این رژیم تبهکار و ارتجاعی قطعی است. رژیم همین چشم انداز و آینده دار جز سرنگونی ندارد.

در چنین شرایطی و وظایفی بسیار بزرگ در برابر طبقه کارگر ایران به شتاب رهبر انقلاب و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به شتاب بخش پیشاهنگ، مظهر آگاه و وجدان بیدار طبقه کارگر ایران قرار گرفته است. طبقه کارگر ایران با تمام تجارب ارزشمندی که طی چند سال اخیر از مبارزه آشکار و انقلابی خود کسب نموده است، این صلاحیت، لیاقت و شایستگی را دارد که رهبری مبارزات تودهای مردم را در دست گیرد. انقلاب را به فرجام پیروزندش برساند و اجازه ندهد که یکبار دیگر مرتجعین امثال خمینی، بروج تاراجاتی تودهای مردم سوار شوند و انقلاب را به یکجسراه بکشانند. چراکه از هم اکنون کسانی که نزدیک شدن طایفان انقلاب را احساس کرده اند، به تکاپو افتاده اند. نسواری ملی مقاومت و در رأس آن سازمان مجاهدین خلق که تمام برنامه های آنها نشان می دهد که خواهان هیچ تغییر اساسی در وضعیت موجود نیستند، به تودهای متحدیده و زجر کشیده از رژیم جمهوری اسلامی وحده و عقیده می دهند که یکبار دیگر جمهوری اسلامی را که البته بجای خمینی رجوی در رأس قرار گرفته باشد، آزمایش کنند. مرتزدهای به ۶ سال حکومت جا برانه و مستقرانه جمهوری اسلامی خمینی، ماهیت مستقرانه شرکت جمهوری اسلامی را به تودهای مردم نشان نداد؟ مکتودهای مردم ایران، در عمل و در تجربه درک نکردند که هر حکومت مذهبی، دشمن آزادی بود مرکز است. رهبران بدها بدین خلق خلیل مردم را نا آگاه تصور کرده اند که فکری کنند تودهای مردمی که اینهمه مسائل و بدبختی های جمهوری اسلامی را پس بر دارند، یکبار دیگر ایماض خواهند داد که آقای رجوی هم جمهوری اسلامی

برای برقراری صلحی دموکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم

را بنیاد کند. خیر! تودمهای سردم ایران در پافته اند که آرموده را از بودن خطا است. مگر جمهوری اسلامی آقای رجوی چه تفاوت اساسی با جمهوری اسلامی خمینی دارد؟ هیچ! رهبران مجاهدین خلق، از هنگلیکه با سیرماید ازان ایسران سازش نموده اند و به آرمایهای انقلابی تودمهای مردم نیت کرده اند، تبدیل به بد افمنین پیکر نظم ستمگرانه سرمایه داری و بد افمنین طبقه سرمایه دار شده اند.

آنان مد اف ارتش ضد خلقی و بوروکراسی پیوسیده و قاسد ایران شده اند. از برجای ماندن یک حکومت مذهبی دفاع می کنند. از اینکه کارگران و زحمتکشان ایران قدرت سیاسی را در دست گیرند هراسی مرکبار دارند. با نیروهای انقلابی ایران و قبل از همه سازمان جریکهای فدائی خلق ایران کینه و دشمنی دارند و اگر خمینی جنایتکار پس از به قدرت رسیدن، علیه نیروهای انقلابی اعلان جنگ دارد. رهبران مجاهدین از هم اکنون به نیروهای انقلابی ایران اعلان جنگ داده اند. رهبران مجاهدین خلق با امپریالیستها، امین دشمنان سرکند خورده مردم ایران متحد شده اند. امپریالیستها با حمایت و پشتیبانی برای آنها می فرستند آقای رجوی بدستوری آنها می رود. آیا در چنین شرایطی، عده بهشت برین را دان به مردم از سوی رهبران مجاهدین خلق، دروغ و فریب نیست؟ آیا این همان عده های خمینی نیست؟ آیا اینان نرزم خواهند بکار بگیریم ناراضی تودمها سوار شوند و دوباره انقلاب را بکجراه بکنند؟ پاسخ مثبت است.

طبقه کارگر ایران باید در برابر تمامی خدعهها و فریبها، جنایتها و دندهها هوشیارانه ایستادگی کند. پرچم سرخ انقلاب را در پیشاپیش تمام تودمهای زحمتکش در اهتزاز نگهدارد و آنها را بسوی پیروزی قطعی رهبری کند. در این شرایط وظایفی بمباران سنگین تر بر دوش تمامی اعضا و هواداران سازمان قرار دارد. اعضا و هواداران سازمان باید پرتلاشهای های مستمر خود برای متشکل کردن آگاه نمودن طبقه کارگر ایران بمرهبری مبارزه انقلابی بپذیرند. تمامی رفقا باید قبل از هر چیز در جهت تشکل و آگاهی روزافزون کارگران صنعتی کوشش کنند. باید همه های سرخ کارگری را در کارخانهها و مناطق کارگری گسترش دهند و قبل از هر چیز امین واقعیت را بدانند که قدرت مارتشکسل و آگاهی کارگران نهفته است.

اعضا و هواداران سازمان باید همگام با مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، علیه کلیه نیروهای ضد انقلاب و فرصت طلبان و سازشکاران مبارزه کنند. باید مد اوما، ماهیت ضد انقلابی تمامی جریانات سلطنت طلب و تمام تبلیغات آنها را برای تودمها افشا کنند. باید ماهیت تمام افعال و رفتار فرصت طلبانه و سازشکارانه رهبران مجاهدین خلق را فاش و پرتلا سازند و پیوند های مردمنشان دهند که چگونه آنها از آرمایهای توده های مردم دور شده و علیه انقلاب گام برمیدارند. باید همچنین ماهیت ارتجاعی ضد انقلابی حزب خائن توده و خائنین اکثریتی تمامی سیاستهای خائنانه آنان را بر مردم توضیح داد و در برابر تمامی این جریانات، برنامه و سیاستهای انقلابی سازمان را بیش از پیش در میان تودمها تبلیغ نمود. باید بتودمهای مردم توضیح داد که بدون رهبری طبقه کارگر، تمام دستاوردهای انقلاب آنان بر باد خواهد رفت. باید به تودمهای مردم توضیح داد که بدون سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق بشتاب هدای فوری طبقه کارگر، آزادی و دموکراسی ممکن نیست. رفاه و خوشبختی ممکن نیست. برانداختن سلطه امپریالیسم ممکن نیست. باید تبلیغات وسیعی را علیه جنگ ارتجاعی موجود سازمان داد و بتودمهای مردم توضیح داد که تنها راه پایان بخشیدن به جنگ و دستیابی به یک صلح دموکراتیک که در آن ضایق تودمهای زحمتکش تامین شود تبدیل این جنگ ارتجاعی به یک داخلی انقلابی یعنی قیام مسلحانه علیه رژیم جمهوری اسلامی است. شمارهای ضد جنگ را با شمار سرنگونی بلا واسطه رژیم پیوند بزنید و شمار تبدیل جنگ به جنگ داخلی را بمتابیه اساسی ترین شماره، همسان کارگران، دهقانان، سربازان و عموم تودمهای زحمتکش بپیرید و آنها بر در و دیوار بنویسید.

اعضا و هواداران سازمان باید بکوشند که بر اساس مواضع و رهنمودهای صدای فدائی، بهانهها و نشریات سازمانی که مرتباً از راه یو بخش خواهد شد، تبلیغات وسیعی را علیه رژیم سازمان دهند. مواضع اتخاذ شده را ضبط کنند و بصورت اعلامیه و تراکت پخش کنند.

کلیه رفقا باید در هر کجا هستند خود را خبرنگار صدای فدائی بدانند و موظف باشند اخبار و مبارزات تودمهای مردم را با استفاده از کلیه امکانات موجود، ملمس ترین و در عین حال سرمترین آن

و یا با استفاده از دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور و یا هرگونه وسیله دیگر، برای صدای فدائی ارسال دارند. ارسال سرب اخبار و گزارشات، یکی از وظایف بسیار مهم هر عضو هوادار سازمان می باشد. باعدان صدای فدائی مرتباً مکاتبه داشته باشید. سوالات و مسائل خود را با سازمان در میان بگذارید. رفقای که ارتباط آنها با فدائی با سازمان قطع شده است می توانند از همین طریق با سازمان ارتباط مجدد برقرار کنند.

**کارگران و زحمتکشان ایران!  
روشنفکران انقلابی!**

برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و پیروزی قطعی انقلاب، بهرگز برنامه و اهداف سازمان جریکهای فدائی خلق ایران متحد و متشکل شوید.

تنگ است ادامه حکومت ستمگرانه جمهوری اسلامی بر تودمهای مردمی که عظمت جنبش انقلابی آنها علیه رژیم ستمگر شاه، رعب و هراس در دل تمامی مرتجعین افکنده بود. تنگ است تحمل حکومتی که جز فقر و تنگدستی، تهاجم و ویرانی بسری تودمهای ستمدیده مردم ما نتایج ای نداشته است.

مادر بر تاریخ، بشریت ضدن و نسل های آینده مسئولیم.

مرک هزاران بار بزنند گی اسارتبار در زیر سلطه رژیم جمهوری اسلامی برتری دارد. تودمهای نیست که مردم آگاه بپیرد ار ایران که تاکنون دهها هزارتن از بهترین و ارزخندترین فرزندان قهرمان خود را در نبرد علیه رژیم خون آشام جمهوری اسلامی از دست داده اند، قطعاً تنگ بقا و دوام این حکومت را تحمل نخواهند کرد و بی شک آینده و پیروزی از آن ماست و شکست سرنوشتمستوم مرتجعان تاریخ است.

باید که صدای فدائی، این بانگ رسای کارگران و زحمتکشان و مدافع ضایق عموم تودمهای ستمدیده و استثمار شده ایران بتواند وظیفه انقلابی خود را در بیداری و آگاهی تودمهای مردم انجام دهد و نقش انقلابی خود را در جنبش آنها کند.

کمیته مرکزی سازمان جریکهای فدائی  
خلو ایران - دهم آذرماه ۱۳۶۳

**رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران است**



# بودجه ۶۴: ...

استفشار وارد شده و به  
 • امت در صحنه • اشغال قریب الوقوع  
 حکومت اسلامی را کوشش می‌کند.  
 در چنین شرایطی، نماینده بودجه  
 سال ۶۴ در مجلس همانند سالهای  
 گذشته، به اجراء درآمد، همان لای زنی‌ها،  
 وجهه و وعده‌ها، و ابراز خوش‌بینی نسبت  
 به آینده و توضیح وظایفی که با اصطلاح  
 بودجه در مورد تعدیل بحران، کاهش  
 تورم، افزایش اشتغال و امثالهم بعهده  
 دارد از سوی نخست‌وزیر بعنوان یک  
 وظیفه هراسانه بازی شد. و برای رفع  
 کسالت از تکرار کلمات بی‌بهره هراسانه،  
 و هم به دلیل تشدید و خفای اوضاع  
 اقتصادی - سیاسی، هراسال پراچمان  
 گرافیکونی‌ها افزود شده و با اصطلاح اهدا  
 سالانه جدیدی که قاعدتاً بودجه در  
 راستای آن تنظیم شده است، اعلام می‌شود.  
 نخست‌وزیر نیز بر همین منوال اعلام نمود که  
 "لا یحیه بودجه سال ۱۳۶۴ کل کشور در  
 موقعیتی نقدیم مجلس شورای اسلامی میشود  
 که نظام جمهوری اسلامی ایران، توانایی  
 از همیشه در صحنه سیاسی - اقتصادی  
 جهان حضور دارد." زمانی که "نظام  
 جمهوری اسلامی ایران نه تنها شراف با  
 یک انقلاب عمیق و گسترده است، بلکه  
 یاد آور جامعه‌ای بانظمی نو و بی‌سابقه در  
 جهان آشوب‌زده گیتی است." این چنین  
 گرافیکونی‌ها مدتی است که خط منسی  
 سران جمهوری اسلامی شده است.  
 در مکررهای ایران در هیچ کجا نظیرند ارد.  
 در هیچ کجا امنیت بهمانند از اینجا نیست.  
 اما الان بهترین امنیت اقتصادی در کلبه  
 ولجهای جهان را داریم و الی آخر.  
 هرچه وضعیت رژیم خرابتر میشود و نسا-  
 رضایتی توده‌ها بالای می‌گیرد، پراپانگونه  
 سخنان شمشع افزوده میشود. البته در  
 اینکامین اقرار بریزواری حاکم برای ایران  
 "تواناتر از همیشه" و با نظمی نو و بی‌سابقه  
 به‌جای اول سود و سرمایه مشغولند حرفی  
 نیست.  
 اما بهر حال نخست‌وزیر علاوه بر اینگونه  
 اظهارات عام و نیز فضل فروشی‌های بسی  
 می‌توان به نمایندگان مجلس - و در خصوص  
 آنان - پراچمان قول‌های جوی و آهنگی  
 ساختاری، بر اساس سنت نمایشگری در  
 هنگام ارائه بودجه اهدا بودجه سال  
 ۶۴ نیز برداخت. وی گفت علاوه بر جنگ  
 "به هدف عده" اقتصادی به‌منسوان محور  
 تهیه و تنظیم بودجه مورد نظر قرار داشته  
 است. این هدف‌ها عبارتند از کاهش  
 تورم، حفظ و تدوین رشد تولید و کوشش  
 در جهت ایجاد اشتغال مولد. تورم  
 رکود تولیدی و بیکاری دارای آنچنان

ابعاد گسترده و عمیقی است که پنهان‌کردنی  
 نیست. نخست وزیر نیز با وجود ادعای  
 اینکه ایران تواناتر از همیشه نتنها در صحنه  
 داخلی که در صحنه سیاسی - اقتصادی  
 جهان حضور دارد، نمی‌توانست بر این  
 سه ملاک مهم که متمایز کننده دوران بحران  
 اقتصادی از رونق اقتصادی است پسرده  
 بیندند. حتی آثارهای رسمی رژیم با وجود  
 تعدیل‌های پراچمانی مقصبات سیاسی و آثار  
 های جسته و گریخته‌ای که از سوی نمایندگان  
 مجلس و البته در چهارچوب مبارزه قدرت  
 درون هیات حاکمه بیان میشود. آنچنان  
 رسواکننده است که جایی برای پنهان  
 کردن معضلات اقتصادی (با وجود ادعا  
 های گدائی) باقی نمی‌گذارد. و از همین  
 رو است که قرعه فال برای بیان اهداف  
 بودجه سال ۶۴ این بار به "مبارتورم"  
 حفظ و تدوین رشد تولید و کوشش در جهت  
 ایجاد اشتغال مولد" افتاده است. کفتم  
 "قرعه فال" چرا که وسعت و عمق معضلات  
 اقتصادی - اجتماعی آنچنان همه جانبه  
 است که هراسال بر هر هوشی می‌توان تاکید  
 کرد، از کشاورزی گرفته تا صنایع و از  
 بهداشت و درمان گرفته تا آموزش و پرورش  
 و الی آخر. در حقیقت این تاکید‌های  
 سالانه متناسب با وضعیت سیاسی روز است  
 نه اینکه بافت بودجه در جهت بر آوردن  
 اهداف اعلام شده، واقعا تدوین شده  
 باشد. بافت یکسان بودجه در چندین سال  
 اخیر با وجود با اصطلاح اهدا و متفاوتی که  
 بودجه سالانه، بایست دنبال کند. خود  
 معرف پارامتری‌های مکرر پراچمان اهداف  
 مشخص در بودجه‌های سالانه است.  
 در یک تحلیل عمومی آنچه ماهیت،  
 اهداف و عملکرد بودجه‌های سالانه را  
 تبیین میکند، ماهیت و مشخصات قدرت  
 سیاسی حاکم (با توجه به ساخت اقتصادی)  
 است. بر همین مبنای عمومی، ماهیت،  
 اهداف و عملکرد بودجه‌های دولتی  
 جمهوری اسلامی از ماهیت و مشخصات  
 رژیم، با منظر داشتن ساخت اقتصادی،  
 نشأت می‌گیرد. حال باید دید چگونه دولت  
 جمهوری اسلامی که خود به‌عنوان ماهیتی  
 تشدید کننده بحران است، از طریق بودجه  
 سالانه - و تا آنجا که مربوط به عملکرد  
 بودجه میشود - تورم را مهار میکند، تولید  
 را رشد میدهد و اشتغال مولد ایجاد  
 میکند، یعنی به "به هدف عده" اقتصادی  
 که عنوان نموده است تحقق می‌بخشد؟  
 لا یحیه بودجه سال ۶۴، حتی با وجود یک  
 ارقام تفکیکی و ریز بودجه انتشار نیافته  
 است، درست همانگونه که انتظار می‌رود  
 عکس موارد فوق را نشان میدهد، یعنی  
 بودجه سال ۶۴ در جهت افزایش نرخ  
 تورم، رکود و بیکاری عملکرد خواهد داشت.  
 بررسی مختصری از اقدام در ریافت‌ها و  
 پرداخت‌های مندرج در لا یحیه بودجه عمومی  
 دولت موارد فوق را بیشتر روشن می‌سازد:

در ریافت‌های بودجه  
 در لا یحیه بودجه سال ۶۴، جمع  
 درآمد‌های عمومی بالغ بر ۳۴۷۴ میلیارد  
 ریال پیش‌بینی شده که نسبت به هزینه‌های  
 عمومی مبلغ ۳۹۴ میلیارد ریال کسری دارد.  
 دو رقم عده تا همین درآمد‌ها را درآمدهای  
 نفتی و مالیاتی تشکیل میدهند. سهم  
 درآمد‌های نفتی و مالیاتی در کل درآمد  
 های عمومی به ترتیب بالغ بر ۳۰/۷۵۳/۷۵۳  
 درصد میشود که مجموعاً بیش از ۸۴ درصد  
 درآمد‌های عمومی را شامل میشود. سایر  
 درآمد‌های عمومی از جمله درآمد حاصل از  
 فروش ارز، فروش پول به قیمت بالاتر که صرفه  
 اسلامی یعنی ریاست را به دلیل  
 سهم نازل در تشکیل درآمد‌های عمومی  
 کناری گذاریم. مشخصه بارزی که در رقم  
 عده تا همین درآمد‌ها را درآمدهای غیر-  
 قابل پیش‌بینی بودن وصول آنها و عدم  
 تحقق کامل شان و در نتیجه افزایش میزان  
 کسری بودجه واقعی است.  
 ۱- درآمد‌های نفتی - سهم نفت در  
 تولید ناخالص داخلی، نقش کلیدی آن در  
 ساخت اقتصادی و اثراتش بر شکل‌گیری و  
 حرکت سایر بخشهای اقتصادی - سهم  
 مطلق آن در صادرات و اتکای فوق‌العاده  
 بودجه عمومی دولت به درآمد‌های نفتی  
 از جمله موارد بسیار مهم قابل بررسی است.  
 قدرت اقتصادی که دولت از انحصار نفت  
 به‌ان نائل میشود و بر شیوه اعمال قدرت  
 سیاسی اثر می‌گذارد، اهمیت نقش نفت  
 را در زندگی اقتصادی - سیاسی جامعه  
 ایران آشکار می‌سازد. تلبنکه قدرتی که از  
 نفت حاصل میشود در کدام جهت طبقاتی  
 بکار گرفته شود منوط به ماهیت قدرت سیاسی  
 است. هم رژیم شاه و هم رژیم خمینی نقش  
 نفت را در شیوه اعمال قدرت اقتصادی -  
 سیاسی دولت به خوبی به‌نمایش گذاشته‌اند  
 اما در اینجا بحث ما در رابطه با موارد  
 فوق‌الذکر اهمیت ویژه‌ای برخوردارند نیست.  
 حتی در اینجا به نقش نفت بطور کلی  
 در ایجاد اشتغال و یا مهارتورم نیز  
 نمی‌پردازیم و این امر را موقوف می‌کنیم به  
 اینکه درآمد‌های نفتی و بطور کلی درآمد  
 های عمومی دولت چگونه هزینه میشوند.  
 آنچه در این قسمت فعلاً مورد نظر است  
 نشان دادن غیر قابل پیش‌بینی بودن  
 درآمد‌های نفتی و لذا باتوجه به سابقه  
 این ساله در بودجه‌های سالهای قبل،  
 عدم تحقق ارقام پیش‌بینی شده و لذا روی  
 آوردن دولت به‌تأمین کسری بودجه از طریق  
 اعتبارات بانکی است که در مجموع به‌افزایش  
 نرخ تورم می‌انجامد.  
 بی‌شک رژیم، بحران اقتصادی، مسائل  
 ناشی از جنگ که خود ریشه در ماهیت رژیم  
 دارد و بحران جهانی سرمایه‌داری آنچنان  
 شرایطی را بوجود آورده که سران حکومت  
 بالاجبار "نوسانی" بودن درآمد‌های نفتی  
 را اعتراف میکنند، بقیه در صفحه ۶

## پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

# بودجه ۶۴: ...

الله پسند . نخست وزیر در نطق خود به هنگام ارائه بودجه سال ۶۴ ساله عدم تحقق درآمد های پیش بینی شده نفتی را چنین توجیه کرد: "در سال گذشته سال جاری ، بخاطر وابستگی بودجه کشور به درآمد های نفتی ، تحقق درآمد های دولت به فراز و نشیب های مربوط به اوضاع سیاسی اثر گذار بر ستر حرکت نفتکش هادر خلیج فارس و بازار نفت بستگی داشته و بازار نفت آشفته ترین وضع را در دو سال گذشته بخود دیده است." وی اضافه کرد که امکان صدور نفت ماه در هر روز ، بین ۲۰ هزار بشکه تا ۳ میلیون بشکه در نوسان بوده است و ما روز به روز جای پای هرچران را در خلیج فارس در درآمد های عمومی خود دیدیم . قیدار نخست وزیر بانگی نیز اعلام کرده بود که "فروش نفت مان آن چیزی را که ما فکر می کردیم تحقق نشد" کیهان ، اول آبان ۶۳) . از گفته های فوق بمحیی شخص است که درآمد های پیش بینی شده نفتی در دو سال گذشته تحقق نیافتند و کسری بودجه بسیار فراتر از رقم تصویب شده است . اما بجه میزان ؟ ضایعات دولت خد شکرار هیچ رقمی را در این باره حتی برای نمایندگان خد شکرار که باید بودجه های عمومی را تصویب کنند افشا نمی کند . آمار حکم کیهان را پیدا کرده . بهر حال پاتوجه به آمار سالهای گذشته شخص می شود که اولاً عدم تحقق درآمد های نفتی فقط ضحصره دو سال اخیر (بر اثر بحران نفتکش ها در خلیج فارس) نیست و ثانیا پاتوجه به میزان عدم تحقق درآمد های نفتی در سالهای گذشته میتوان با مصوب داشتن بحران نفتکش ها حدودی از میزان عدم تحقق درآمد ها را در دو سال اخیر حدس زد جدول شماره یک ، میزان پیش بینی و تحقق درآمد های نفتی را طی سالهای ۶۰-۵۸ نشان می دهد .

(جدول شماره ۱)  
درآمد نفتی طی سالهای ۶۰-۵۸

(مبلغ به میلیارد ریال)

سال	درآمد مصوب	درآمد قطعی	تحقق درصد
۱۳۵۸	۱۴۸۸	۱۲۲۰	۸۲
۱۳۵۹	۱۷۵۴	۸۸۹	۵۱
۱۳۶۰	۱۵۳۳	۸۶۵	۵۶

درآمد نفتی دولت همچون خود رژیم جمهوری اسلامی پاد رخواست . اضافه نوسانات درآمد نفتی آنچنان وسیع و غیر قابل پیش بینی است که دست اندرکاران

بودجه نویسی جز ارائه "سناریو" راه دیگری ندارند . بر همین اساس است که سازمان برنامه و بودجه طی رساله های با عنوان "گزارش اقتصادی سال ۶۰-۱۳۵۹" و ملاحظاتی درباره بودجه سال ۱۳۶۰ به ارائه "سناریوهای سال ۱۳۶۰" و "سناریوهای بودجه سال ۱۳۶۰" میپردازند . در "سناریو" درآمد های پیش بینی شده نفتی عبارتند از مبلغ ۱۸۴ ، ۵۵۲ و ۱۳۸۰ میلیارد ریال برای هر سناریو . یعنی پیش بینی درآمد های نفتی برای سناریو اول و دوم ۷۵۰ درصد نوسان دارد . به این ترتیب ، پاتوجه به روند گذشته ، تد اوم همان شرایط و اظهارات صریح نخست وزیر شاه ده میشود که رقم درآمد نفتی در بودجه سال ۶۴ نیز یک پیش بینی غیر قابل تحقق پیش نیست . درآمد نفتی عملاً در سطحی پائین تر از آنچه پیش بینی شده قرار خواهد داشت و کسری آن از طریق اعتبارات بانکی تامین خواهد شد . فروش نفت به قیمت پائین تر از قیمت رسمی اولیه که رژیم برای تامین درآمد هابمان شوشل شده نیز دردی را چاره نخواهد کرد . چه صرف نظر از رقابت های نفتی در سطح جهانی طی چند سال گذشته رژیم با کوشش فوق العاده ای سیاست حراج نفت را دنبال کرده و معضدا قادر نبود ماست که درآمد های نفتی پیش بینی شده را تحقق بخشد .

۲- درآمد های مالیاتی - پس از نفت ، درآمد های مالیاتی عمده ترین بخش از درآمد های عمومی دولت را تشکیل می دهد . میزان درآمد مالیاتی در لایحه بودجه سال ۶۴ بالغ بر ۱۰۶۳ میلیارد ریال پیش بینی شده است . در رابطه با درآمد های مالیاتی ، دو موضوع قابل طرح است: اول اینکه جهت گیری مالیات با جهت و گند ام طبقات و اقتدار اجتماعی را تحت تاثیر قرار می دهد و اثر عملکرد آن بر شرح تورم چگونه است و دوم اینکه آیا مبلغ پیش بینی شده برای وصول مالیاتها قابل تحقق است؟ در مورد اول مختصراً و بطور کلی میتوان گفت که راستای اهداف و عملکرد درآمد های مالیاتی بر مبنای ماهیت قدرت سیاسی شخص میشود . بر طبق این گفتار کلی در مورد ولتی که بورژوازی طبقه حاکم را تشکیل دهد ، اهداف و عملکرد مالیاتها بر طبق ضایعات و مصالح آنی رآتی طبقه حاکم قرار دارد . اما این گفتار عمومی کل دولتهای بورژوازی را اعم از "موکراسی های بورژوازی" آنچه که اصطلاحاً دولتهای دیکتاتوری سرمایه داری خوانده می شود و همچنین صرف نظر از اینکه کدامیک از اقتدار بورژوازی بر قدرت سیاسی تکیه زده اند را شامل می شود . این گفتار عمومی ، اگرچه ماهیت عملکرد مالیاتها را در جوامع سرمایه داری مشخص می سازد ، اما شخصیات ویژه دولت هر جامعه را قادر بر مواقعی اهمیت اساسی می باید ، نادیده

می گیرد . بررسی رابطه مالیاتها و کلا عملکرد دولت ( ماهیت و شخصیات ویژه دولت ایران ، اهمیت این شخصیات ویژه را نمود آرمی سازد : دولت ایران ، یک دولت سرمایه داری است ، از اینرو مالیاتها بطور کلی در جهت منافع و مصالح طبقه حاکم قرار دارد . در عین حال دولت ایران ، دولت سرمایه داری وابسته است و علسی - القاعده بنا به ضعف بورژوازی داخلی و تسلط امپریالیستی ، در ارای روشی "دیکتاتوری" است . هزینه های اعمال "دیکتاتوری" و اینکه کلیه اقتدار بورژوازی در حکومت شرکت ندهاند ، عملکرد مالیاتها را در دستیارگیری بمنفع اقتدار بورژوازی حاکم قرار میدهد . در زمان رژیم شاه ، این عملکرد عمدتاً در جهت منافع سرمایه های بزرگ و انحصاری قرار داشت . عامل دیگر ، تنه دولت ایران به درآمد های نفتی و تزریق آن به اقتصاد جامعه و تامین هزینه های دولت از آن طریق است . این عامل ، از یکسو به قدرت اقتصادی دولت افزود و دولت را تا حدود زیادی از فشار مستقیم به سرمایه داران و اقتدار مختلف خرد بورژوازی - تولیدی و توزیعی جهت وصول مالیاتها بی نیاز میسازد و از سوی دیگر نقش عملکرد نفت و عملکرد طولانی مدت دولت در مورد مالیاتها ، به علاوه سایر عواملی که در اینجا مورد نظر نیست ، هم نظارت اقتدار مختلف سرمایه داران را بر اعمال دولت تضعیف کرده و هم فرهنگ بهره روری از امکانات دولتی ( که بر نفت تکیه دارد ) بدو منتقل بخشی از هزینه های این بصورت پرداخت مالیات بردرآمد ، بر آنان مسلط شده است . از اینرو بافت مالیاتهای دولت را اساساً مالیاتهای غیر مستقیم و مالیات بردرآمد کارگران و کارمندان که بطور خود کار از دستمزدهای حقوق کسرمیشود ، تشکیل می دهد . تمامی شخصه های فوق به علاوه ویژگی های جمهوری اسلامی را می توان در بخش درآمد های مالیاتی مشاهده کرد . نتیجه تمامی شخصه های فوق در جهت فشار هرچه بیشتر بر کارگران و زحمتکشان و استفاده از اقتدار بورژوازی حاکم قرار دارد . سخنان پارلمانی از سران حکومت در مورد مالیاتها که بعلمت تضاد بین بخش های مختلف سرمایه عنوان شده است ، تلخ و دی ماهیت و راستای عملکرد مالیاتها را روشن میسازد . بانگی در مورد مالیاتهای سال ۶۳ در صورتیکه کلا وصول شود می گوید : " حال این ۸۷ میلیارد تومان ( میزان مالیات مصوب سال ۶۳ ) راه خیال نکند که مالیات را از کسانی که پول دارند و پول در میآورند گرفته می شود . نه ، اتفاقاً از کسانی که پول ندارند و زیور کلیه دولت هستند و مهارشان دست دولت است از اینها مالیات گرفته می شود . وی ادامه می دهد ،

## ۳۰ ساعت کار، دو روز تعطیل در هفته حق مسلم کارگران است



## ساخت اقتصادی...

فتوالی که دهقانان نیروی عده آن محسوب می شدند و لذا تثبیت زمین در جهت ضایع امیرالایم. بنابراین برنامه اصلاحات ارضی در هر مرحله اجرائی از یکسو با برابری مبارزه طبقاتی و از سوی دیگر با درجه توسعه سرمایه داری و رویه انحصارگداری سرمایه حاکم انطباق نسبی داشت. بر این بنا بر اساس قانون اصلاحات ارضی و طی مراحل مختلف اجرای آن تشریحی دهقانان شدت یافت و خلعید از دهقانان بالاگرفت. اما توسعه سرمایه داری در روستاها، تندید تشریحی در دهقانی و خلعید از دهقانان فقط به علت اجرای قوانین بلاواسطه اصلاحات ارضی نبود، بلکه توسعه سرمایه داری در کل جامعه (از جمله در روستاها) و قوانین و شیوههای بسط تولید سرمایه ازانسه در روستاها که بطور مستقیم در اثر شقوق ضد ج در قانون اصلاحات ارضی نبود، نیز روند فوقی را تکمیل می کرد.

آنچه که در این بخش مورد بررسی قرار می گیرد، اثرات توسعه سرمایه داری بر تشدید تشریحی دهقانان است. بدین منظور، صرف نظر از خلعید از دهقانان در اثر اجرای قوانین اصلاحات ارضی که قبلاً مورد بررسی قرار گرفت، در اینجا اثرات توسعه سرمایه داری بر تشدید تشریحی دهقانان را در دو جهت ارزیابی می کنیم: اول، توسعه سرمایه داری و خلعید غیر مستقیم از دهقانان و دوم، توسعه سرمایه داری و خلعید مستقیم از دهقانان.



جدول شماره (۱۵) مصرف کود شیمیائی، بذرگندم، پنبه و فروش تراکتور

سال	مصرف کود شیمیائی (هزار تن)	فروش تراکتور (تن)	بذرگندم (تن)	بذر پنبه (تن)
۱۳۴۵	۱۲۴	-	۷۶۲۵	۱۷۰۰
۱۳۴۶	۲۱۵	۲۳۸۲	۵۶۰۰	۲۰۰۰
۱۳۴۷	۱۸۴	۲۹۲۸	۶۵۰۰	۲۵۶۷
۱۳۴۸	۲۰۸	۳۳۶۹	-	۲۵۰۵
۱۳۴۹	۲۴۳	۱۸۹۴	۱۲۷۸۹	۳۳۹۸
۱۳۵۰	۳۲۸	۲۴۵۸	۳۲۹۸۰	۳۱۲۱
۱۳۵۱	۳۷۹	۵۷۸۷	۳۴۰۰۰	۹۳۲۷
۱۳۵۲	۴۸۲	۴۷۸۱	۳۵۵۰۰	۱۱۱۷۸
۱۳۵۳	۶۱۶	۷۵۶۱	۶۴۶۰۰	۱۱۰۰۰
۱۳۵۴	۶۲۴	۹۰۳۸	-	-

ماخذ: سالنامه آماری، ۱۳۵۵.

## توسعه سرمایه داری خلعید غیر مستقیم از دهقانان

الف - همزمان با تغییر مناسبات تولید میان تولیدکنندگان بلاواسطه و استثمارکنندگان در روستاها، وسایل تولید و شیوههای بهره برداری از زمین نیز تحول یافتند. گسترش استفاده از تراکتور، کود شیمیائی و بذرها، اصلاح شده از نمودهای بارز این تحول در روستاهای ایران پس از اجرای اصلاحات ارضی هستند. این وسایل و شیوههای تولید در دوره قبل از اصلاحات ارضی بطور محدود در مناطقی خاص، مانند کرگان و گنبد، مورد استفاده قرار می گرفتند. ولی تنهایی از زمین موانع پیش سرمایه داری بود که بکارگیری آنها به شدت گسترش یافت. جدول شماره (۱۵) استفاده از تراکتور، کود شیمیائی، و بذرگندم و پنبه اصلاح شده را طی یک دوره ده ساله نشان می دهد. چنانچه در جدول شماره ۱۵ دیده میشود، مصرف کود شیمیائی و بذر اصلاح شده طی یک دوره ده ساله به شدت گسترش یافت. فروش تراکتور توسط بنگاه توسعه ماشین آلات کشاورزی نیز افزایش سریع از خود نشان می دهد، بطوریکه از حدود ۲۳۰۰ دستگاه در سال ۱۳۴۶ به بیش از ۹ هزار دستگاه در سال ۱۳۵۴ رسید.

طبق آمارهای منتشره از طرف دولت، این رقم در سال ۱۳۵۶ به حدود ۱۱ هزار دستگاه نیز رسید. استفاده از تراکتور و بدلایل گوناگون، از جمله کارائی بیشتر، هزینه نگهداری کمتر، شخم عمیقتر و...، جانشین گاوآهن شد. هرچند که این روند جایگزینی شدید بوده است، ولی میزان استفاده از آن در مناطقی مختلف و نیز در بهره برداریهای مختلف یکسان نبوده است. بعنوان مثال در کرگان و گنبد به تناسب پهنترین منطقه کشاورزی ایران، میزان استفاده از ماشین آلات کشاورزی به مراتب بیش از دیگر نقاط ایران است، و برعکس در مناطقی همچون سیستان و بلوچستان

و یا مناطق کوهستانی فارس و... و به دلایل گوناگون تراکتور و بذرها به مراتب کمتر مورد استفاده قرار می گیرد. این نشان همگونی در طبقات بهره بردار نیز بازتاب می یابد. این مطلب را در جدول شماره ۱۶ که برای سال ۱۳۵۳ تهیه شده، می توان مشاهده کرد.

جدول شماره (۱۶) استفاده از تراکتور و متفکیک بهره برداریها در سال ۱۳۵۳

بهره برداریها در صد استفاده از تراکتور

کثیر از یک هکتار	کمتر از یک هکتار
۱ تا ۲ هکتار	۱۱ / ۹
۲ تا ۵ هکتار	۳۲ / ۴
۵ تا ۱۰ هکتار	۴۷ / ۰
۱۰ تا ۵۰ هکتار	۶۳ / ۹
۵۰ تا ۱۰۰ هکتار	۷۱ / ۹
۱۰۰ هکتار به بالا	۹۱ / ۵
	۹۶ / ۲

ماخذ: نتایج آمارگیری کشاورزی ایران ۱۳۵۳

همانطور که بهره برداریهای کوچک مقدار کثرتی زمین و بدین وسایل تولید معیشت را در اختیار داشتند، از تراکتور بعنوان یکی از وسایل جدید کشاورزی نیز به همان نسبت به میزان کثرتی استفاده می کردند. جدول شماره (۱۶) نشان می دهد که بهره برداریهای کوچک از تراکتور به مراتب کمتر از بهره برداریهای بزرگ استفاده می کنند. این امر بدلایل گوناگون مانند ضعف

مالی دهقانان خریدار، مقرون بصرفه نبودن استفاده از تراکتور در بهره برداریهای کوچک و... صورت پذیرفته است. ولی حال نتیجه عملی آن چیزی جز تقویت وضعیت اقتصادی واحد های بزرگ در مقابل دهقانان خریدار نمیتواند باشد. معضات دیگر ماشین نیز کمک مجموعه مناسبات سرمایه داری نسبتاً نوپا در روستاهای ایران شتافت و از این راه قدرت اقتصادی و تولیدی واحد های بزرگ را تقویت کرد.

اگر در دوره قبل از اجرای اصلاحات ارضی، اجاره گاوکار میان دهقانان رواج داشت و معمولاً دهقانان مرفه، که بیش از نیاز تولیدی خود گاوکار داشتند، حیوانات خود را بعد بکران اجار میدادند، در دوره پس از اصلاحات ارضی تغییراتی در این رابطه دیده می شود. بدین معنی که با گسترش استفاده از تراکتور، هدایای که عمدتاً سرمایه داران کشاورز بودند، اقدام به اجاره دادن تراکتور (و کمباین) خود به بکران کردند، و برعکس دوره قبیل از اصلاحات ارضی، اجاره بصورت نقدی پرداخت میشد و مبلغ آن بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ ریال برای هر هکتار بود. پرداخت این مبلغ وجه نقد برای بقیه در صفحه ۸

لڑجنگ ارتجاعی زحمتکشان میزاردند دو میلیون آواره، نان، مسکن ندارند

## ساخت اقتصادی ...

بسیاری از دهقانان که با گاویار داشتند با آن را الحارمی کردند، مقرون صرفه بود و این امر یکی از دلایل عدم گسترش سریع بکارگیری تراکتور برای شخم زدن و خارج شدن گاویار از صحنه کشاورزی بود. بدین ترتیب مکانیسمهای بازار سرمایه‌داری کاملاً در یک جهت جدائی بیشتر دهقانان از شرایط معینی تولید برداشت و قطعی شدن طبقات را شدت بخشید.

با تأکید بر مجموعه مناسبات تولید در رابطه با ابزار تولید زمین و کار بیان شده است، ولی یک جنبه دیگر یعنی رابطه بهره‌برداری‌ها با بازار باقی مانده که تعیین آن ضروری می‌نماید. زیرا که این رابطه، یعنی پیوند دادن روستائیان و کشاورزان به بازار کالاهای مصرفی کشاورزی نیز در واقع یکی از اهداف ضمنی اصلاحات ارضی بود.

هرچند که آماری در مورد درصد فروش محصولات کشاورزی در بازار به تفکیک بهره‌برداری‌ها موجود است، رجوع شود به جدول ۱ و نتایج آمارگیری کشاورزی ایران ۱۳۵۳، مرحله دوم، ولی چون این اطلاعات مجموعهای است از کلیه تولیدات کشاورزی و نیز انواع کشتیهای آبی و دیم و گراه کننده بوده و بنابراین نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. بهرحال آنچه مسلم است، تولید کنندگان خریدمبای محصولات هم چون گندم و برنج عمدتاً برای مصرف خانوار کی خویش تولید می‌کنند در حالی که تولید کنندگان کبچک محصولات مانند چای توتون، چغندر رفته و... اساساً برای عرضه در بازار کشت می‌کنند زیرا که محصول آنها به اندازه آنکه از مزه بدست می‌آید قابلیت صرف شخصی ندارد. در مقابل این گروه، تولید کنندگان بزرگ قرار دارند که صرف نظر از نوع محصول خود (لم از برنج و گندم و...) با توتون، چغندر رفته و... و اساساً برای فروش در بازار تولید می‌کنند. اینان بواسطه گسترده‌گی کشتزارهای خود، عرضه‌کننده عمده محصولات کشاورزی بازار داخلی بود مانند بدین ترتیب، بر اساس برآورد آرسویک (Aresuik) بهره‌برداری برای برز شراز ۱ هکتار حدود ۷۷ درصد محصول کشاورزی موجود در بازار عرضه می‌کرد مانند (رجوع شود به "The Agricultural Development of Iran", Praeger Publishers, 1977, ۱۰۱ ص)

از خصوصیات عمده رابطه میان تولید کنندگان محصولات کشاورزی با بازار، وجود واسطه‌ها و سلف خررها در سراسر نقاط روستائی ایران است. واسطه‌ها که عمدتاً در پیوند با کشاورزان خرید و متوسط کار می‌کنند، معمولاً هنگامی که آن‌وقت این دهقانان تحلیل می‌رود، یعنی در زمستان به آنان وام نقدی یا جنسی می‌دهند و هنگام

برداشت محصول طلب خود را وصول می‌کنند. بهره این واسطه معمولاً بسیار بالا است و گاهی بعد درصد و حتی بیش از آن هم می‌رسد. سلف خررها نیز به شیوه‌ای مشابه کار می‌کنند. بدین ترتیب که قبل از برداشت محصول، یعنی هنگام برداشت آن که دهقانان در این هنگام دیگر پس‌انداز جنسی و بانقدی برای مصیبت خود ندارند، مجبوره پیش‌فروش کردن محصول می‌شوند. این وضعیت، موقعیت سودمندی را برای عناصر تکنیکی جامعه روستائی بوجود می‌آورد. در این هنگام سلف خررها محصول دهقانان را قبل از برداشت به پیش‌فروش می‌خرند، در حالی که پس از برداشت، آنرا به قیمت‌های بسیار بالاتر به واسطه‌های دیگر در بازارها به فروش می‌رسانند. تفاوت قیمت خرید و فروش محصولات کشاورزی در روستاها معمولاً بسیار زیاد و گاهی به چند برابر می‌رسد. در برخی موارد دهقانان روستا به این تجارت دست می‌زنند. اینان معمولاً کالاهای خود را می‌فروشند و هنگام برداشت به مشتریان می‌فروشند و هنگام برداشت محصول، که غالباً قیمت آن به حد اقل می‌رسد، طلب خود را بطور جنسی دریافت می‌دارند. بطور خلاصه، هرچند که کشاورزان خرید و متوسط تنها بخشی از محصول خود را به بازار عرضه کنند، ولی مجموعه مکانیسم‌های واسطه میان آنها و بازار مصرفی کالاهای کشاورزی بنحوی عمیق می‌کنند که شدت اقتصاد اینگونه تولید کنندگان را تحلیل می‌برند. چنین وضعیتی در سراسر دوره پس از اجرای اصلاحات ارضی ادامه داشت و علیرغم ادعاهای دولت وقت مبنی بر گسترش شبکه تعاونی و... دهقانان خرید و متوسط همچنان در دست این عناصر انگلی اسیر بودند.

ج - علاوه بر مورد فوق و جمعیت روستائی ایران از جانب عناصر تکنیکی دیگری نیز در رنج بوده است. بدین معنی که ریاخواران نیز گاهی به یکی از اشکال فوق الذکر و یا گاهی بطور مستقیم وارد زندگی اقتصادی روستائیان می‌شدند. فقر شدت‌یافته‌ی دهقانان طی چند دهه اخیر آنان را مجبور کرده بود تا برای تأمین مصیبت خود به ریاخواران محلی روی آورند. این ساله طی دوره پس از اجرای اصلاحات ارضی، علیرغم گسترش شبکه‌های شرکهای تعاونی، همچنان پاهرجای ماند. بطوریکه می‌توان گفت منابع اعتباری یکی از مهم‌ترین عواملی بود که در تجزیه طبقاتی دهقانان موثر افتاد. فشار ناشی از ریاخواران را از جنبه می‌توان نشان داد: اولاً، بر طبق مطالعات متعددی که از روستاها در ایران بعمل آمده، نرخ بهره در بازار پولی روستاها (غیر از بانکها و تعاونها) از ۱۰ درصد تا بیش از ۱۰۰ درصد بوده است، ثانیاً علیرغم تبلیغات رژیم گذشته مبنی بر کمک مالی به روستائیان، در یک ارزیابی کاملاً خوشبینانه ارگانهای دولتی رقم حدود ۵۰ درصد عرضه وام را در بازار پولی روستاها تأمین می‌کردند و باقی‌مانده را ریاخواران برعهده

داشتند و مطالعه‌ای که از جانب فائو (FAO) برای دوره ۷۲ - ۱۹۶۳ بعمل آمده است این ساله را نشان می‌دهد (جدول شماره ۱۷) سهم منابع اعتباری در بازار پولی روستائی ایران ۷۲ - ۱۹۶۳

نوع	مقدار درصد
بانک تعاونی کشاورزی	۱/۰
شرکهای تعاونی	۱/۰
صندوق توسعه کشاورزی	۰/۶
سازمان جای و نهاد های دیگر	۵/۱
بانکهای تجاری	۱۳/۲
جمع	۳۳/۷
بازار غیر متشکل (ریاخواران...)	۴۲/۳
جمع کل	۷۶/۰

(۱ میلیارد ریال)

علیرغم اینکه جدول شماره (۱۷) بطور اجمالی سهم و مقدار هر یک از دو بازار متشکل (بانکها و...) و غیر متشکل (ریاخواران و...) پولی را نشان می‌دهد، در رابطه با موضوع مورد مطالعه ما، یعنی روستائیان و وام‌گیری، دو نکته را آشکار نمی‌کند. اولاً، باید توجه داشت که تنها سهمی از کل مبلغ ۳۳/۷ میلیارد ریال به دهقانان تعلق گرفته و مابقی به سرمایه‌داران کشاورزی داده شده است و ثانیاً، بخشی از کل وام اعطائی بانک تعاونی کشاورزی، از طریق شرکهای تعاونی توزیع می‌شود و بنابراین سهمی از وام ۱ میلیارد ریالی در حقیقت دوباره ساحب شده است؛ بیکار بعنوان وام اعطائی این بانک و بیکار هم بعنوان وام اعطائی شرکهای تعاونی. با توجه به این دو نکته می‌توان ادعا کرد که ریاخواران و... سهمی به مراتب بیش از ۹۱ درصد از عرضه وام به روستائیان را برعهده داشته‌اند، که این امر در حقیقت نشانگر فشار مالی است که بر روستائیان وارد می‌آید.

جدول شماره ۱۸، کمترین از مطالعات روستائی پیرامین روستاهای ایلام (۱۳۴۴) گیلان (۱۳۴۷)، نیشابور (۱۳۴۶) و گرگان (۱۳۴۸) می‌باشد و وضعیت منابع اعتباری در روستا و سهم بازار متشکل پولی (بانکها و...) را طوموس تر می‌نماید.

بهرحال و نتیجه، علی‌گسترده‌گی نسبی شبکه ریاخواران و واسطه‌ها (و... در حقیقت فعالیت شدت سرمایه‌های ریائی و تجاری) در روستاها، روستاهای ایران، چیزی جز عقب ماندگی مجموعه مناسبات تولید و نیروهای مولد نمی‌توانست باشد. به عبارت دیگر سرمایه‌های ریائی و تجاری با چنگ انداختن بر بخش‌هایی از ارزش حاصله توسط روستائیان از یکسو، قترینسندی دهقانان و خلق بد و نباله درصدی ۹





## ساخت اقتصادی ...

از دهقانان را تشدید کرده و از سوی دیگر از رشد سرمایه‌مندی (مولد) جلوگیری کرده‌اند.

توسعه سرمایه‌داری و خلق بد مستقیم از دهقانان

بحث مادی صفحات فوق نشان داد که مجموعه مناسبات سرمایه‌داری در دو بعد در روستاهای ایران گسترش یافت. نخست آنکه بخشی از مالکان فئودال سابق شیوه اشتراک‌خود را تخریب کرده و به شیوه‌های سرمایه‌دانه بهره‌رکنی از تولید کنندگان بلاواسطه دست باز کردند. از این رو بود که رابطه دستمزدی میان سرمایه‌داران کشاورز از یکسو و کارگران و نیمه بهره‌نترهای روستا از سوی دیگر، گسترش چشمگیری حاصل کرد. ولی این طریق، یعنی تبدیل مالکان فئودال به سرمایه‌داران کشاورز که اصطلاحاً در اقتصاد سیاسی آن را "راه پروسی توسعه سرمایه‌داری" خوانند، به توسعه مجموعه مناسبات سرمایه‌داری در میان روستائیان یعنی توسعه "راه امریکایی سرمایه‌داری" نیز توأم بود. بدین ترتیب که همزمان با گسترش رونده فئودال در میان روستائیان نیز روابط سرمایه‌داری توسعه هرچه بیشتری یافت. در حقیقت این دو راه به گونه‌ای بهم پیچیده در روستاهای ایران رشد یافتند که این امر بیانگر قانون توسعه سرمایه‌داری در روستاهای هر جامعه‌ای است که فئودالیسم به سرمایه‌داری تحول می‌یابد. به عبارت دیگر، توسعه سرمایه‌داری در روستا همواره - بصورت ترکیب بهم پیچیده‌ای از دو راه امریکایی و پروسی است. ولی در هر جامعه‌ای، بر اساس چگونگی مبارزه طبقاتی جاری در آن، یکی از این دو راه بر دیگری سلطه می‌شود. در ایران نیز در شروع اجرای اصلاحات ارضی (مرحله اول) چنین بنظر می‌رسید که "راه امریکایی" نسبت به راه دیگر تفوق داشته باشد و ولی بتدریج همزمان، رونق اقتصادی، ثبات سیاسی و فراهم آمدن زمینه برای فعالیت سرمایه‌های بزرگ، راه پروسی بطور قطعی بر راه امریکایی سلطه شد.

پروسه تسلط راه پروسی توسعه سرمایه‌داری در روستاها از همان آغاز اجرای اصلاحات ارضی شروع شد. این پروسه بصورت قانونی و غیرقانونی، در روند فقیر شدن دهقانان تجلی پیدا کرد و در تمامی سالهای پس از اصلاحات ارضی ادامه یافت. تاکنون، مجموعه‌ای از عواملی که موجب فقیرتر شدن دهقانان و با در - حقیقت روند جدائی آنان از شرایط عینی تولید را فراهم آورد، بیان شد. ولی در اواخر دهه ۱۳۴۰ و اوایل ۱۳۵۰ در دستور انحصاری شدن سرمایه و قدرت گرفتن سرمایه‌های انحصاری اجرای طرحهای بزرگ کشت سرمایه‌دانه شروع به گسترش نمود. در میان این طرحها، دولت در طرح بزرگ در سراسر کشور به اجراء آورد که هر دو انبساط مناطق مربوط روند فقیرتر شدن دهقانان را تشدید کرد. بدین ترتیب این دو طرح عبارت بودند از شرکت‌های سهامی زراعی و کشت و صنعت‌ها که در زیر به شرح مختصر آنها می‌پردازیم.

### شرکتهای سهامی زراعی

در اواخر دهه ۱۳۴۰، دولت وقت ب فکر ایجاد شرکتهای سهامی زراعی بر اساس کمیونیس‌های اسواتیل افتاد و این امر ظاهراً برای دستیابی به اهداف زیر بود: یکپارچه کردن زمینها، مکانیزاسیون و گسترش مقیاس تولید، آشنائی دهقانان با روشهای جدید کشاورزی، گسترش سطح زیر کشت، و افزایش درآمد کشاورزان. شرکتهای سهامی زراعی در سال ۱۳۴۹ تأسیس شدند. در وقت تأسیس تعداد آنها ۱۴ شرکت بود که تا سال ۱۳۵۳ به ۶۵ شرکت با ۱۲۳۸۸۲۲ هکتار (از روستائی) ۵۲۵ روستا و ۲۳۱۷۵۹ هکتار زمین رسید. تعداد شرکتهای در سال ۱۳۵۷، ۱۵ واحد بود و بنا بر طرح مزبور این تعداد می‌بایست به ۱۴۳ شرکت برسد.

بر طبق طرح مزبور، اگر در روستاهای مورد نظر تعداد احد اقل ۱۵ درصد از روستائیان زمیندار رای مثبت به تأسیس شرکت سهامی زراعی در روستاهای خود می‌دادند، شرکت بانک ملی و فنی دولت تأسیس می‌شد. هر چند که ظاهراً دهقانان حق تعیین سرنوشت خود را داشتند، ولی عملاً این موضوع رعایت نمی‌شد و متخصصین دولتی روستاهای مطلوب برای اجرای طرح را انتخاب کرده و بدون توجه به نتایج

جدول شماره (۱۸) سهم منابع اعتباری در بازار پولی پاره‌ای از روستاها (بر اساس درصد)

منابع اعتباری	نمایش (۵۵ روستا)	اهلام (۱۱ روستا)	گاباد (۴)	گرسار (۴)
دوستان و نزد بگان	۳۴/۹	۲۶	۲۱/۶	۱/۲۴
دکاند اروسلف خمر	۳۷/۹	۴۴	۵۱/۴	۵۶/۲۷
بانک اعتبارات	۱۳/۴	۲۷	۲۱/۶	۲/۰۷
شرکت تعاونی	۶/۸	۳	-	۲۹/۸۳
مالک	۲/۸	-	۵/۴	-
سایر منابع	۴/۲	-	-	۰/۱۴

روستائیان زمیندار، طرح را بعبور اجرا می‌گذارند. بدین ترتیب، بر اساس طرحهای تخصصی دولت، در برخی مناطق یک یا چند روستا زیر پوشش یک شرکت سهامی زراعی قرار گرفتند و روستائیان زمیندار نسبت میزان و مرغوبیت زمین‌های خود سهام از شرکت دریافت کردند. سرمایه لازم برای انجام امور مربوط به کارهای زراعی (تسطیح، زنگنه ۵۰۰) و استفاده از ماشین‌آلات کشاورزی (تراکتور، کمپاین) و نیز تأمین متخصصین و مدیران برعهده دولت بود.

طرح شرکت‌های سهامی زراعی به گونه‌ای که اجراء شد، اگرچه در جهت مصالح و کارکرد سرمایه حاکم بر جامعه بود، اما نتایج منفی خود را نیز در میان دهقانان به بار آورد و نتیجتاً از کارائی عمیق‌تری خد به برخوردار شد. طرح این شرکت‌ها و پیاده کردن آن در عمل بدون توجه به خواسته‌های تجارب و خلقیات دهقانان و به طریق قبیله‌ای بود و اجباری به مرحله اجراء آمد.

بمسوادی دهقانان و عدم آشنائی روستائیان به روشهای جدید تولید توأم با عدم آموزش و ترغیب آنان به روشهای جدید کشت، و همچنین به وجود تراکتور و اجباری بودن شرکت دهقانان در شرکتهای سهامی زراعی به بی‌علاقگی آنان در کارهای گروهی واحد‌های مکانیزه کشاورزی و زمین زراعی با پیچیدگی که دهقانان دارای تدارک کار گروهی در - بنهاد بودند، اما طرح و شیوه اجرائی پیاده کردن شرکت‌های سهامی زراعی به گونه‌ای بود که علاوه بر دهقانان را به مالکیت افراد بی‌زمین تشدید کرد. علاوه بر این، عدم اطمینان دهقانان به سهام به عنوان نوعی سند مالکیت بر زمین مزید بر علت شد و در نوبت بیگانگی میان روستائیان سیاه‌دل و شرکتهای سهامی زراعی بوجود آمد. از سوی دیگر مهربان و مهندسان دولتی اداره امور شرکتهای زراعی دست گرفته و بدون نظرخواهی از سهامداران، اساساً خود اقدام به تصمیم گیری و پیاده کردن طرحهای کردند. در این شرکتهای کارهای تخصصی و فنی برت در دست مهندسان و متخصصین و مدیران قرار داشت، در حالیکه روستائیان عمدتاً به عنوان کارگران دستمزدی بکار شرکتهای مشغول بودند. این بیگانگی و بی‌سازگاری حقیقت جدائی روستائیان از زمین و کنترل شرایط عینی تولید توسط مدیران و اساس شکل خاص سرمایه‌داری دولتی قرار گرفت که از بالا (دولت) دیکته می‌شد.

روستائیان عمدتاً به اشکال گوناگون نسبت به شرکت‌های زراعی مربوط به خود هکس الحظ: منفی نشان میدادند. به عنوان مثال، عدای به صاحب‌داری از روستای خود دست زدند، در حالیکه عدای دیگر ترجیح میدادند برای دیگران و در خارج از ارامی شرکتهای سهامی زراعی بکار مشغول شوند. بیگانگی روستائیان سهامدار نسبت به شرکتهای سهامی زراعی مربوط به حدی بود که در اغلب آن شرکتهای روستائیان حتی نمی‌دانستند که هیات مدیره چگونه انتخاب شده و در نهاله در صفحه ۱۶



# بودجه ۶۴: ....

در سال ۶۲ ما از خلفل ۲۲ میلیارد ریال مالیات گرفتیم در حالیکه از حقوق کارگران ۹ میلیارد گرفتیم. تقریباً سه برابر است. و ما حدود ۵/۲ میلیون شغل داریم در حالیکه یک میلیون پرورنده مالیاتی داریم. (کیهان اول آبان ۶۳). بانکی ازمان دارد که ما به یک سسری مالیات های غیر مستقیم و درآمد های غیر مستقیم روی می آوریم. ما اسیال هم در بودجه به اینکار روی آوردیم و مالیاتها که با اصلاح بعنوان اهرمی در جهت چهار توهم جز: هدفهای دولت اعلام شده بود، به این ترتیب اثر توری در اشته و علاقه بر قیمت کالاها افزوده می شود و گمانیکه در صورتی بلا واسطه این افزایش قیمتها قرار می گیرند، کارگران و زحمتکشان هستند. رژیم که به علت کاهش درآمد های نفتی، چشم امید به درآمد های مالیاتی دوخته است، تلاش دارد که با انواع اهرمهای قابل دسترس هر چه بیشتر مالیاتها را وصول کند. اما بنیادهایی که در ابتدا اندر کردیم این تلاشها را هم در جهت کاهش قدرت خرید کارگران و زحمتکشان عسکر می یابد. آخرین ترفندی رژیم بنظر وصول درآمد های مالیاتی از خلفل را از زبان بانکی می شنوی: "خلفل از سوی وزارت دارائی به چهار قسمت تقسیم شده که مورد تأیید دولت هم قرار گرفته است تا بر اساس یک ضرایب یک طلی الحسابی از ایشان گرفته شود و بدینوسیله مقداری از این درآمد ها تامین می شود.

(کیهان ۷ آذر ۶۳). بدین ترتیب مالیاتها از بدین "خلفل" و بنیادهای مالیات بردارنده انگاشته نمی شود بلکه هزینه های شخصی مثل اجاره که عیناً به قیمت کالاها سرشکن شده و اثرات توری خواهد داشت. البته با این روش برخی از "خلفل" خوردنها زبان خواهند دید، اما جهت عمومی این نوع مالیاتها سرشکن شدن آن پروری قیمت کالاها است. بدین ترتیب مشاهده میشود که سیستم مالیاتی دولت اولاً در جهت ضایع سرمایه داران حاکم قرار دارد، ثانیاً بر مالیاتهای غیر مستقیم ضکی است، ثالثاً توانائی وصول مالیات مستقیم از سرمایه داران را نه اشته و فشار بلا واسطه آن بر کارگران و کارنده ان قرار دارد و مجموع سیستمی است که شدیدا در جهت عکس ضایع کارگران و زحمتکشان عسکر دارد و راجعاً مالیاتها که بعنوان اهرمی بالقوه می تواند عسکر هدف توری داشته باشد، در اینجا عسکر می در جهت تامین بودجه پرورنده قرار.

حال باید دید که آیا درآمد های نفتی یعنی نید مالیاتی قابل وصول است؟ میزان کل درآمد های مالیاتی در لایحه بودجه سال

۶۴ نسبت به درآمد های مالیاتی مصوب در بودجه سال ۶۳ قریب به ۲۲ درصد افزایش یافته است. این پیش بینی افزایش وصول مالیاتها در حالی صورت گرفته که بنیادهای اعتراض سازمان حکومت، میزان مصوب سال ۶۳ و ۶۲ نتوانسته است تحقق یابد. بانکی می گوید: در سال جاری ما برای مالیاتها فکر میکردیم ۰۰۰ (که) به دلیل گرفتاری های اداری و نبودن طراحها، ممکن نشد. نخستین نیز بر اساس استعمال دولت در تامین درآمد ها و همچنین تضاد در هیات حاکمه اظهار میدارد که "خلفل" فاضله خاطر وجود روحیه ای منفی برای دادن مالیات (که اشارت به استیفاء می باشد) که در مورد نه اداری مالیات در بازار پیش شد. در سطح جامعه از سوی همین قشر و نیز عدم طراحایی موفقیت آمیز مکانیکی کارها برای گرفتن مالیات، به صرفت قابل توجهی در این زمینه بدست نیامده است و با این وجود در حالی که دولت از وصول ۸۷۳ میلیارد ریال مالیات سال جاری عاجز است، میزان پیش بینی درآمد های مالیاتی را برای سال ۶۴ به ۱۰۶۳ میلیارد ریال افزایش داده است. آنچه مسلم است بنیاد لایحه که قبلاً ذکر شد عدم تحقق درآمد های مالیاتی به میزان است که در لایحه بودجه تعیین شده است. از اینرو میزان کسری درآمد های مالیاتی نیز به پیش بینی شده کسری بودجه اضافه شده که تنبیه برای تامین آن استفاده از اعتبارات بانکی است.

۳- ضایع تامین کسری درآمد ها نسبت به پرداخت ها - بطوریکه مشاهده شد حدود ۸۴ درصد از درآمد های عمومی را درآمد های نفتی و مالیاتی باید تشکیل دهند که در واقعیت امر ارقام کاذب هستند. بر اساس این ارقام کاذب کسری درآمد ها نسبت به هزینه ها بالغ بر ۳۹۴ میلیارد ریال میشود. بر اساس پیش بینی های لایحه بودجه، از این مقدار کسری (غیر واقعی که کم نشان داده شده) حدود ۲۴ درصد آن از محل برگشتی از پرداخت های سال قبل و ۷۶ درصد آن از طریق استفاده از وامهای داخلی که اساساً همان استفاده از اعتبارات بانکی است، تامین میشود. ضعیف اصلی تامین کسری

بودجه (اعتبارات بانکی) بخودی خود بیانگر توهم زائی است. اما همانگونه که مطرح شد، مقدار کسری بودجه بسیار کمتر از میزان واقعی آن در لایحه بودجه اینجایی شده است. با توجه به اینکه اقلام هزینه ها دارای انعطاف بسیار محدود در کاهش هستند، هر چقدر که درآمد های نفتی پیش بینی شده تحقق نیابد بر میزان کسری بودجه افزوده خواهد شد. و از آنجا که قلم غیر عمده تامین کسری یعنی برگشتی از پرداخت های سالهای قابل شخص و غیر قابل افزایش است، بنابراین افزایش کسری بودجه به افزایش اعتبارات بانکی منجر خواهد شد. یعنی عسکر در جهت افزایش نرخ تورم خواهد داشت. تجربه سالهای گذشته نیز همین ضوال بوده است. جدول شماره ۲ میزان کسری بودجه مصوب و کسری بودجه واقعی را طی سالهای ۶۰ - ۵۸ نشان میدهد.

جدول شماره (۲) مقایسه کسری بودجه مصوب و قطعی طی سالهای ۶۰ - ۵۸ (بمیلیارد ریال)

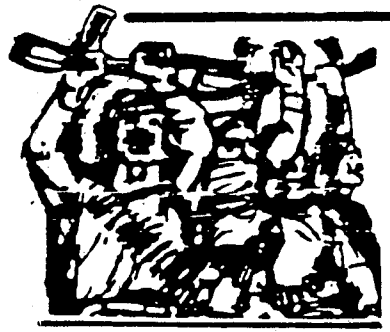
سال	مصوب قطعی	اختلاف
۵۸	۳۵۵	۴۳
۵۹	۳۹۴	۱۲۹
۶۰	۷۰۲	۱۱۰۳

تراکم کسری بودجه های دولت و تامین اعتبارات از سهم بانکی یکی از مهمترین دلایل افزایش نقدینگی طی سالهای فوق الذکر بوده است. این افزایش شدیدا در حجم نقدینگی در حالی صورت پذیرفته که عملاً تولید ناخالص داخلی به قیمت های ثابت سال ۱۳۵۳ کاهش داشته است. جدول شماره (۳) مقایسه ای بین روند معکوس افزایش نقدینگی و کاهش تولید ناخالص داخلی به قیمت های ثابت سال ۱۳۵۳ را برای سه سال متناوب ۵۶-۵۸ و ۶۲ نشان میدهد.

جدول شماره (۳) مقایسه نقدینگی با تولید ناخالص داخلی برای سه سال متناوب بمیلیارد ریال (بمیلیارد ریال)

سال	۵۶	۵۸	۶۲
نقدینگی	۲۰۹۲	۳۵۰۰	۷۳۷۷
تولید ناخالص داخلی	۲۰۹۲	۲۳۶۲	۲۰۶۰
تغییرات	۰	+۲۵۲	-۲۳

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است



# کردستان انقلابی ،

## پرشورترین کانون مبارزه

### علیه رژیم جمهوری اسلامی

از آن نیست. نگاهی گذرا به شمار آهسته بکشمندگان رژیم، استحقاقات سوخته شده آنان در چهارماه گذشته، خود بارزترین نمود این قهرمانی ها و اینه تمام نمای قدرت مندی این جنبش انقلابی است. پیشمرگان قهرمان کردستان فقط در نبردها پارتیزانی چهارماه گذشته ۶۶۹ تن از مزدوران سرکوبگر را به هلاکت رسانده ، ۲۵۰ نفر را به اسارت در آورده و بیش از ۳۷۰ خود روی نظامی دشمن را منهدم نموده اند . طی همین مدت و در جریان بیش از ۹۳۲ نبرد قهرمانانه ، ۶۴۶ قفسه تفنگ و چندین هزار نفر از افراد ، ۱۲۸۹ نارنجک دستی و بیش از ۱۵۰ هزار گلوله فشنگی ، ۳۹۱ گدله آر. پی. جی و ۶۸ قفسه سلاح سنگین و نیم سنگین شامل خمپاره و مسلسل و تیربار به غنیمت گرفته اند . تنها طی همین چهارماه ، یکصد و پنجاه و نهمین از سربازان و دیگر فریب خوردگان رژیم خود را به انقلاب پیون تسلیم کرده اند . در طی این چهارماه یکصد و بیست و نه تن از ساکنین بی دفاع روستاها در انفجار توپها و خمپاره های دشمن به شهادت رسیده اند . در چهار روستا ویران گشته ، بسیاری از مردان به آتش کشیده شده و تبدیل به خاکستر شده اند . بسیاری از دامهای روستائیان که تنه اشباع در آمد ناچیزشان را تشکیل میدهند ، در اثر این ویرانیها از بین رفته و یاد رهجوم پاسد اران و ارتشمان غارت شده است .

آری امروز وجب بموجب خاک کردستان قهرمان ، پایگاه حماسه رزمی انقلاب پیوسته ، خانه کاشانه حقیرانه و کوچک هر روستایی زحمتکش کرد ، سنگر قدرتمند و پناه آتشخوار آفرین پیشمرگان دلیری است که آتش رژیم انقلابی را در قلب کردستان شعلهور نگاشته داشته و ضربات برق آسای آنان همسوی تندره صفوف دشمنان را مانع قرار نداده است . رزیشان باید اید .



رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی ، برای به زانو در آوردن این جنبش علاوه بر سرکوب نظامی ، به انواع و اقسام تشبثات ارتجاعی و یکپارچه محاصره اقتصادی ، خسرج اجباری روستائیان زحمتکش کردستان و تهدید ساکنان شهرهای آن و بسیاری حمله و ترغیب های ارتجاعی دیگر توسل جسته است . اما همه این سیاست های جنایتکارانه ، با مقاومت کم نظیر و حماسه آفرین این خلق قهرمان که برای از میان برداشتن ستم ملی و دستگیری به حق تعیین سرنوشت خویش مبارزه می کنند ، با شکست کامل مواجه گشته است . این سیاستها در مقابل با اراده خللا ناپذیر توپهای زحمتکش کرد و پیشمرگان دلیران ، جز شکست بیشتر برای رژیم جمهوری اسلامی فایده ای نداشته است .

امروزه ، اگر رژیم جمهوری اسلامی زیر آتش سنگین ترین جنگ افزارها و در پناه تانکها و هلی کوپترهای نوید آمریکا ، بخشهای وسیعی از سرزمین کردستان را به جولانگاه مزدوران خود بدل کرده است اما هرگز قادر نبوده و نخواهد بود اراده این خلق قهرمان را درهم بشکند و در عزم پیازتانی پیشمرگان دلیران خللی وارد آورد .

روزی نیست که پیشمرگان قهرمان کردستان ، مراکز تجمع و پادگان های دشمن را در دل شهرهای کردستان زیر ضربات خرد کننده خود نگیرند و بسیاری از پایگاههای ارتش و پاسد اران را به تصرف در نیاروند . روزی نیست که پیشمرگان حتی فرماندهان مزدور بسیج و پاسد اریجانش های خود فروخته را به هلاکت نرسانند و با به اسارت خود در نیاروند ، آنها کردستان را به کورستان جنایتکاران تبدیل کرده اند . آنان را در پایگاههایشان به بند کشیده اند . در واقع هر پایگاهی که به پیشمیتانی توپ و خمپاره و تجهیزات و زیراتش خلی کوپترها و راکت در کوههای کردستان مستقر میگردد . خود به حصار تنگی تبدیل شده است که سرکوبگران را جاسارت خارج شدن

طی پنج سال حاکمیت ارتجاعی و سرکوبگرانه جمهوری اسلامی ، بسیاری از دستاوردهای قیام شکوهمند بهمن به تاراج رفت و جنبش در مقاطعی با ضرباتی شکننده روبرو شد . اما ارابه انقلاب از حرکت باز نایستاد و صلابت آن همچنان برقرار ماند . انقلاب در عرصه های متفاوت ، تعرض و تحریک خود را در برپا برد انقلاب همچنان حفظ کرد . تشکرهای مسلحانه خلق های تحت ستم ایران ، یکی از بارزترین نمونه ها و برجسته ترین تجلی گاه این مداومت انقلاب است .

این مداومت ، بویژه با قدرت هر چه ناختر در کردستان انقلابی ، ارتش ، پاسد اران و دیگر ارگانهای سرکوبگر را با ضربات کوبنده ای روبرو ساخته است . جنبش انقلابی خلق کرد ، علیرغم تمامی ادعاها و دروغ پردازیهای رژیم ، مبنی بر تسلط نیروهایش در کردستان ، امروزه به یکی از فعالترین و پرشورترین کانون های مبارزه مسلحانه ، آتش انقلاب را در این گوشه از میهن شعلهور نگاه داشته است . کردستان در سخت ترین شرایط و با استقامتی بی نظیر ، درغ قربانیهای بی شمار باخدا اقدامانات ، در مقابل ارتشی بسا عالی ترین تکلیک و پیشرفته ترین تجهیزات نظامی ، همچنان پایدار مانده است . این همه توانمندی ، علیرغم نبود رهبری متمرکز و فقدان یک فرماندهی واحد و هماهنگی ، خود نشاندهنده بارز ایمان خللا ناپذیر خلق قهرمان کرد و رشدها در بودن این جنبش و بهمانک ظرفیت بالا و وسعت توده ای و نفوذ صیق آنست .

رژیم جمهوری اسلامی ، طی پنج سال گذشته ، برای درهم شکن مقاومت رژیم جوانه این خلق قهرمان ، از هیچ جنایتی دریغ نکرده است . تیرباران ، تخریب آتش سوزی ، تیر ، شکنجه ، زندان و کشتار در ستم جمعی مردم روستاها و شهرهای کردستان ، شیوه های بوده است که رژیم طی این مدت علیه خلق کرد بکار گرفته است .

# بودجه ۶۴

جدول شماره ۳ نشان میدهد در حالی که نقدینگی از سال ۱۳۵۶ تا ۶۲ حدود ۲۵۲ درصد افزایش داشته، تولید ناخالص داخلی به قیمت های ثابت طی همان مدت زمانی ۲۳ درصد کاهش داشته است. این روند در جهت افزایش نرخ تورم عمل کرده و عملکرد بودجه سال ۶۴ نیز در تند اوم همین روند خواهد بود. این روند در جهت ضایع سرمایه‌های اران علی‌الخصوص بورژوازی تجاری قرار دارد.

## بودجه های بودجه

بر اساس لایحه بودجه سال ۱۳۶۳ هزینه‌های عمرانی (اقتیارات سرمایه‌گذاری ثابت) به ۱۱۰۶ میلیارد ریال و هزینه‌های جاری به ۲۷۶۲ میلیارد ریال بالغ خواهد شد. بدین ترتیب هزینه‌های عمرانی نزدیک به ۲۹ درصد و هزینه‌های جاری بیش از ۷۱ درصد از کل هزینه‌های عمومی را تشکیل می‌دهند. نخست وزیر در دفاع از لایحه بودجه سال ۶۴ در مجلس مقایسه‌های بین هزینه‌های عمومی سال ۶۴ (۳۸۶۸۷ میلیارد ریال) با هزینه‌های عمومی مصوب سال ۶۳ (۳۸۷۰۶ میلیارد ریال) بعمل آورد و مدعی شد که در جهت مهار تورم و در جهت کاهش گسری بودجه سعی شده که در حد امکان از بار هزینه‌ها کاسته شود. اما ارقام مندرج در جدول و درصد سهم هزینه‌های عمرانی و جاری در کل هزینه‌ها که در فوق به آن اشاره کردیم، درست جهت عکس با اصطلاح اهداف دولت را نشان می‌دهد. و علاوه بر یاکاری دولت خود متکثر و مسطه‌اش در مورد اهداف بودجه وقتی بیشتر آشکار می‌شود که بخشهای مختلف هزینه‌های عمومی سال ۶۴ با سال ۶۳ مقایسه شود. نخست وزیر در حالی که فقط ۲ میلیارد ریال کاهش در هزینه‌های عمومی (آنهم بر اساس لایحه و تعدد عمل) یعنی چیزی حدود نیم درصد در نشانان جهت گیری ضد تورمی معرفی می‌کند از تغییر در ترکیب هزینه‌ها آید سخن به میان نمی‌آورد. در حالی که مقایسه هزینه‌های سال ۶۴ با سال ۶۳ نشان دهند افزایش هزینه‌های جاری و در عرض تقلیل هزینه‌های عمرانی هم بطور مطلق و هم بطور نسبی است. هزینه‌های عمرانی سال ۶۴ نسبت به سال ۶۳ قریب به ۸۰ میلیارد ریال کاهش یافته است. این میزان ۷ درصد کاهش در هزینه‌های عمرانی را نشان می‌دهد. از طرف دیگر هزینه‌های جاری سال ۶۴ نسبت به سال ۶۳ قریب به ۲۸ میلیارد ریال یعنی حدود ۳ درصد افزایش یافته است. اگر نسبت هزینه‌های عمرانی به هزینه‌های جاری در سال ۶۳ برابر با ۴۴ درصد بود این نسبت در سال ۶۴ به ۴۰ درصد کاهش می‌یابد. ترکیب هزینه‌ها و روند تغییرات به سمت هزینه‌های جاری نه تنها در جهت اهداف اعلامی بودجه در مهار تورم،

حفظ و تند اوم رشد تولید و گسترش در جهت ایجاد اشتغال مولد نیست بلکه برعکس در جهت افزایش نرخ تورم، رکود و بیکاری است.

روند مخرب فوق‌الذکر در هزینه‌های عمومی دولت سبب تند اوم و تشدید بحران اقتصادی است. و جالب توجه است که در مقده بودجه سال ۵۹ در این مورد می‌خوانیم که "باتوجه بوجود تمایل خطرناک در مالیه کشور در جهت متورم شدن بیشتر بودجه جاری نسبت به بودجه عمرانی کشور قبول برداختهای گوناگون که عملاً تناسبی با بازده تولیدی کشور ندارد، بدین شک ارائه این روند در رساله‌های بعد امکان‌پذیر نبوده و کشور را با بحران مالی و اقتصادی بسیار عمیقی مواجه خواهد ساخت". مقده بودجه ۵۹ در حالی از "تمایل خطرناک در مالیه کشور" نام می‌برد که نسبت بودجه عمرانی به بودجه جاری در سال ۵۸ برابر با ۵۷/۵ درصد و در سال ۵۹ برابر با ۵۶٪ به تصویب رسیده بود. مقایسه این نسبت‌ها با نسبت بودجه عمرانی به جاری در سال ۶۴ (۴۰ درصد) روند تعمیق یافته تمایل خطرناک در مالیه کشور که کشور را بحران مالی و اقتصادی بسیار عمیقی مواجه خواهد ساخت را روشن می‌نماید. اما علق بحران‌زایی بودجه دولت زمانی بیشتر آشکار می‌شود که تحقق بودجه‌های عمرانی را نیز در نظر بگیریم. نه تنها در بودجه‌های مصوب طی یک روند نسبت بودجه عمرانی به جاری تمایل یافته، بلکه تحقق بودجه‌های عمرانی بسیاری این‌تر از میزان مصوب بوده است که خود ناشی از بحران اقتصادی و در همین حال تشدید شده گفته آن بوده است. جدول شماره ۴ که برای سالهای ۶۰ تا ۶۳ تنظیم شده است مطالب فوق را بهتر آشکار می‌سازد.

جدول شماره (۴) نسبت بودجه عمرانی به جاری طی سالهای ۶۰ - ۱۳۵۸ (برحسب درصد)

نسبت بودجه عمرانی به جاری	سال	
۵۸	۵۹	۶۰
۴۷/۵	۵۶/۲	۳۹/۵
۳۵	۳۳/۷	۳۰

مشخصات بحران‌زایی، انگی و سرکوب گرانه بودجه دولت یاد در نظر گرفتن سهم اجزاء تشکیل‌دهنده هزینه‌های جاری باز هم بیشتر بر ملا می‌شود. متأسفانه اساک دولت در ارائه ارقام و ریز ارقام بودجه شناخت این مشخصات را مشکل می‌کند. اگرچه در روزندگی روزمره بخوبی لمس می‌شود ولی بهر حال از ارقام بسیار مهم و حیاتی بودجه‌های سالانه برای هیات حاکمه هزینه‌های ارباب و سرکوب و توسعه طلبی و به عبارت دیگر هزینه‌های نظامی و جنگی است. دستمای مرقم اصلی این قلم از ارقام هزینه‌ها بطور مشخص و دقیق نامبر است. هزینه‌های سرکوب در کل احساد هزینه‌ها سرشکن شده و آنچه ملموس است

فقط بخشی از آن را تشکیل می‌دهد. اما حتی با استناد به سخنان نخست وزیر در مجلس ابعاد فاجعه‌آمیز هزینه‌های نظامی را میتوان تا حدودی تشخیص داد. وی گفت "بررسی دیگری روی روند بودجه جاری در رساله‌های اخیر نشان می‌دهد که هزینه‌های مستقیم و غیر مستقیم جنگ تحمیلی از رقم ۱/۴ میلیارد ریال در سال ۵۹ به ۱۲۱۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۳ و ۱۳۰۳/۶ میلیارد ریال در بودجه مصوب سال ۶۳ افزایش یافته است. به عبارت دیگر بودجه نظامی در سال ۶۳ نسبت به ۶۲، ۷/۶ درصد رشد داشته است. از آنجا که صحنه‌های جنگ با عراق طی این مدت بطور نسبی راکد بوده است، میتوان ماهیت اصلی این افزایش را که همانا سرمایه‌های نظامی و خلق کرد است، در نظر گرفت. حجم انبوهی از هزینه‌های جاری در جهت امور نظامی صرف خواهد شد. که نسبت نظامی (علنی و غیر علنی) دولت را آشکار می‌سازد. این نسبت برای سالهای ۶۲ و ۶۳ به ترتیب برابر با ۴۸/۵ و ۴۸ درصد بوده است و در سال ۶۴ (بیشتر) هم افزایش هزینه‌های نظامی برابر با ۵۷/۵ درصد هزینه‌های جاری خواهد بود. مقایسه درصد هزینه‌های نظامی با کل هزینه‌های بهر است و در مان (۴۷ درصد هزینه‌های جاری) و هزینه‌های آموزش و پرورش با آن ابعاد فراگیرش (۱۶ درصد از هزینه‌های جاری) خود معیاری است بر ماهیت سرکوبگرانه رژیم و بودجه نظامی آن. بطور خلاصه میتوان گفت که ماهیت و ترکیب هزینه‌های جاری دولت نیز انعکاسی از وضعیت اقتصادی - سیاسی جامعه و ماهیت دولت است. عملکرد هزینه‌های جاری رژیم در جهت تورم زائی و سرکوب و ایجاد اشتغال انگل و ارباب گرانه برای مزدوران حزب اللهی قرار در بهر حال، بطوریکه از ارقام لایحه بودجه هم از یادها و هزینه‌ها و ترکیب این ارقام برمی‌آید، جهت گیری بودجه سال ۶۴ با احوار روند اوم روندی است که بحران اقتصادی را در امن می‌زند. عملکرد این بودجه در سال آینده - تا آنجا که عامل عملکردی بودجه در وضعیت عمومی اقتصادی دخیل است - در جهت تشدید تورم، افزایش رکود تولیدی و رشد بیکاری قرار دارد. این روند فزاینده بحران، وضعیت معیشتی توده‌های از پیش به مخاطره خواهد افتاد و در همین حال عرصه‌های استثمار و جاپاولی نظیری را در خدمت سرمایه‌های بورژوازی تجاری و در راس هم‌مختکرین، واسطه‌ها و دلالها می‌کشد. بحران فزاینده روزی روز برای توده‌ها غیر قابل تحمل‌تر شده، ناراضی‌ها اوج می‌گیرند، اعتراضات گسترده و شراک می‌شود... تضادهای جامعه روبه‌انفجار می‌گردد.

### بخش نشریات

نظامی اعلام نشده و غیر رسمی که هم اکنون برجایمانده است، آنها تلاش دارند تا هرگونه اعتراض را در نقطه خفه سازند، از پیوند پیشاهنگ انقلابی و تودها ممانعت بعمل آورند و از انتشار اخبار مربوط به اعتراضات و حرکات تودهای متوسط سازمانهای انقلابی جلوگیری کنند. اما واقعیت اینست که جو ارباب تاحدودی در هم شکسته است. مزدوران و جبرمشوران متشکل در گشتهای ثارالله، کمیته، جندالله، شهریار، امر بخرورف و درستانی، طوامار... مرتب در حال گشت زنی می باشند اما کتشر شکاری همچنگ می آورند. برخورد مزدوران صلح رژیم با نشریات، اعلامیهها، تراکشا و شبنامهها به گونه ای است که گوئی سندی مرگ خویش را یعنی نظاره کرده اند. عکس العمل حیرت آورانان در مقابل بخش اوراق تبلیغی، انجمن هیستریک و - دیوانوار و مجشبان است که برای ناظرین شاید تعجب آور جلوه کند. اما واقعیت این است که آنها نفرت تودها از رژیم را بیشتر لمس می کنند و از اینرو نمی توانند حد اقل رابطه ای را که از طریق اوراق تبلیغی، بین تودهای متنفر از رژیم و پیشاهنگ انقلابی پدید می آید تحمل کنند.

در مقابل، بخش اعلامیه، تراکت و پوستر خبزنانه بشدت مورد توجه تودها قرار می گیرد. پاره ای از گزارشات بخش که عیناً ارائه میگردد حاکی از آنست که تودها تشنه آگاهی بوده و مشتاقانه علی رغم جو خفقان و سرکوبه از بخش آنها استقبال می کنند.

فشارهای گوناگون اقتصادی، بحران مردم افزون، بیکاری گسترده و فقر و فلاکت عمومی و در کنار آن فشارهای متعدد سیاسی و نبود کوچکترین آزادی حتی در زندگی خصوصی افراد، کارگران و زحمت کشان را بمحالتی انفجار گونه کسانده است.

تودها، ماهیت ارتجاعی و ضد خلقی رژیم را اینک با گوشت و پوست خود لمس کرده اند، چیزی که میخواهند بداند و تشنه آند اینست که چگونه باید این رژیم تبهکار را سرنگون کرد و چگونه رژیمی را باید جایگزین آن ساخت.

در همین راستا تودها زنجیره کارگران تشنه ریافت اخبار مبارزات دیگر کارگران و زحمتکشان و تاشکهای بکار گرفته شده از سوی آنها هستند. بی جهت نیست که اخبار مبارزات تودهای علی رغم سانسورشده رژیم، به سرعت در سطوح وسیع منتشر میگردد. اخبار مربوط به اعتراضات متحصن ها و درگیری های مردم با مزدوران رژیم از جمله اخباری

است که شدیداً استقبال شده و در دهان به دهان میگردد. فراموشی در تابستان سال گذشته خبر مربوط به متحصن مردم زحمتکش افسریه و بست اتوبان افسریه تنها در فاصله ۲ ساعت در سطح شهر تهران انعکاس یافت و به سرعت این تاشک یعنی ایجاد راه بندان در نقاط مختلف تهران یعنی در شهرستانها از جمله در اراک بکار گرفته شد. و با خبر مربوط به اعتصاب شرکت دخانیات و کانادادرای در تابستان سال جاری در فاصله زمانی کوتاهی در تهران و سپس در شهرستانها منعکس گردید. در این میان اخبار اعتصابات کارگری جایگاه ویژه ای دارد و شور و شعل بسیاری در تودهای زحمتکش برمی انگیزد. اسبابطور غریزی و متحرکه لمس کرده اند که مبارزه تعیین کنند مبارزه باید از کارخانجات و بویژه مراکز کلبه ای آغاز گردد. باید تولید خوابانده شود و رژیم فلج گردد. بی جهت نیست که اخبار مربوط به اعتصابات کارگری حتی گاه با وسعتی به مراتب وسیعتر از آنچه اتفاق افتاده نشر می یابد که این نیز نشان دهنده روحی تودها به گسترده کی هرجه بیشتر ابعاد مبارزات است. در چنین شرایطی، قطعا راد پویترین نقش را در تبلیغ ایفا می کند اما این بدان معنا نیست که فعالیت مستمر کار تبلیغی، به تبلیغ شفاهی توسط راد پیروان خلاصه گردد. چراکه حضور مستقیم پیشاهنگ در عرصه مبارزات کارگران، شرکت در مبارزه و سازماندهی آن مبارزات، همواره جزو لاینفک وظایف پیشاهنگان انقلابی بوده و هست.

نشریات توزیع شده باید با توضیح و تشریح برنامه سازمان راه رهایی مشخصات حکومت انقلابی کارگران و زحمتکشان یعنی جمهوری دموکراتیک خلق را بتودها نشان داد و اثرات مثبت انقلابی راد مقابل تمامی اثرات تیره های ضد انقلابی و فریبنده قرار دهد.

سازمان ما علی رغم ضربات متعددی که طی سه سال اخیر تحمل شده است اما لحظه ای در تحقق و پیشبرد وظایف انقلابی از برای نشسته است. رفقای بخش توزیع، با درک مسئولیت عظیمی که بر دوش دارند در جریان پراتیک انقلابی خود، به ستاوردهای بسیاری در این زمینه نائل گشته اند. گزارشات ارائه شده بهیانگسرتنها گوشه ای از فعالیت مستمر رفقا در این زمینه است. این گزارشات از میان گزارشات مربوط به سماعه دوم سال ۶۳ انتخاب شده و چند نمونه از گزارشات بخش نیز مربوط به سمعراست. ما بدلیل رعایت اصل انبوهی و همبندی از آنجا که در طی سه مقاله تحت عنوان "تبلیغ و نشر" به تفصیل از روشهای تکنیکی بخش و تاشکهای مشخص مربوط به شیوه های بخش صحبت



کردیم. وارد جنبه های تکنیکی نشدیم و تنها بعد از آن تکمیل می کنیم.

- ۱- عکس العمل تودها نسبت به بخش.
- ۲- عکس العمل عمال رژیم نسبت به آن.

هدف از ارائه نمونه گزارشات و بتصویر کشیدن آنها، بیان استقبال و بیان انعکاس تودها و تأکید بسیار بر این وظیفه حیاتی یعنی کار وسیع تبلیغی در شرایط کنونی است. گزارشات انتخاب شده مربوط به بخش مستقیم رفقا در مقابل کارخانجات و با مراکز تجمی تودها بود و شامل گزارشات مربوط به بست سرخ و یا توزیع خانگی مستقیم نمی گردد.

۱- گزارش بخش در مقابل کارخانهای کربک (خیابان آزادی) در نیمه ماه تعداد و ونی اعلامیه: ۱۴۰ عدد ضمیمه خبری کار ۱۸۱، ۱۴۰ عدد تراکت و مورد جمهوری دموکراتیک خلق.

ساعت ۴/۲۰ دقیقه بعد از ظهر هنگامی که کارگران کارخانه در حال خروج بودند تراکشا و ضمیمه خبری به سرعت در میان کارگران بخش شد. تعدادی از کارگران ضمیمه و اعلامیه را برداشته و شروع بخواندن کردند بعضی از کارگران نیز دور آنها جمع شده و می پرسیدند متعلق به کدام سازمان است؟ در این میان زنی حدود ۳۰ ساله که بجهای در سف و بدهای نیز به همراه داشت یک ضمیمه خبری برداشت و از پسر بچه همراهش که حدود ۱۰ ساله پسر خد است که برایش بخواند و همچنان پراشت ادامه داد. حدود یک ربع بعد تنها ۱۵ عدد از مجموعه تعداد بخش شده برجای مانده بود.

اشکاک بخش - بعد از لیل حجیم بودن ضمیمه خبری و سنگینی آن، در یک منطقه بخش شد و نتوانست سطح وسیعتری را تحت پوشش قرار دهد.

۲- کارخانه باهر (پارس راد) تعداد ونی اعلامیه: ۱۵۰ عدد ضمیمه خبری ۱۵۰ عدد تراکت " زنان محروم و تحت ستم ایران". تاریخ بخش ۲۲/۴/۶۳ ساعت ۳ و ۳۳ دقیقه بعد از ظهر هنگام خروج کارگران از کارخانه تراکشا و ضمیمه های خبری بخش گردید. کارگران سریع شروع به برداشتن آنها کرده و سوار سرویس ها می شدند تا انجمن اسلامی و حراست نتوانند مانع برداشتن آنها گردند. چند نفر از کارگران هم یک ضمیمه خبری برداشته و می خواندند. یکی از آنها گفت: "اعلامیه تودها بهیاست؟ درگیری گفت نه بایا تشنه جنبش تودهای، سال چریکهای فدائی خلق و کارگر دیگر گفت راست میگفته چریکهای فدائی. در عین و در نوشته تقریباً تمام ضمیمه خبری تراکشا از زمین برداشته شده بود. تنها ۴ عدد کف خیابان باقی مانده بود و - حدود ۴ - ۵ عدد نیز توسط مزدوران حزب اللهی پاره شد. بقیه در صفحه ۱۴

## پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

### پخش نشریات

۳- مرکز آمار ایران  
تعداد و نوع اعلامیه ۵۰ عدد ضمیمه  
خبری - ۵۰ عدد تراکت - زنان محروم و  
... تاریخ ۱۳۶۳/۴/۲۵  
ساعت ۳ بعد از ظهر تراکتها و ضمیمه  
خبری پخش گردید. علاوه بر تعدادی از  
کارگردانان که از هرگدامی برداشته و به  
سرعت از منطقه خارج می شدند، عابری نیز  
تعدادی از آنها را برداشتم می رفتند.  
تنهایی از عابری ۴ عدد ضمیمه خبری  
برداشت تا زده و با خود برد. در این  
میان تعدادی از ماشین های عبوری نیز  
متوقف می شدند، ضمیمه خبری و تراکت  
برداشته و می رفتند. حدود ۱۰ عدد  
ضمیمه خبری هنوز در تک خیابان باقی بود  
که مزدوران حراست بیواسطه به خیابان  
ریخته و شروع به جمع آوری آنها کردند.  
مردی از خانسی که ضمیمه خبری را در دست  
داشت و می خواند پرسید: این چیست؟ در  
باره چی نوشته؟ خانم در جواب گفت در باره  
وضع مردم و کارخانه ها، مال سازمان  
چریکهاست.

۴- کارخانه انبوسال  
زمان پخش - ۱۳۶۳/۶/۲۶  
تعداد و نوع اعلامیه - پیام تسلیم به  
مناسبت تصادف خونین کارگران و شهدا  
تعدادی از آنها، ۱۶۰ عدد تراکت  
کارگران، گردان پیشواز مبارزات تودما  
به اضافه دسته های گل.

پخش در ساعت ۱۶/۴ دقیقه در سه  
نقطه مقابل درب خروجی در میان کارگران  
انجام گرفت. کارگران ابتدا با تعجب به  
صحنه پخش نگاه می کردند و بعد بطرف  
اعلامیه ها می آمدند. کلاً تمام کارگرانی  
که توجه پخش شدند هم اعلامیه وهم گل  
برمی داشتند. هم مورد کارگری بطرف  
اعلامیه ها روید یک اعلامیه و چند شاخه گل  
برداشت. هیچکدام اعلامیه ها پاره نشد.  
چون موزیکاتی در مقابل کارخانه پخش  
آمده بود. کارگران بیخوش برداشتن اعلامیه  
بلند شروع به خواندن آنها میکردند.  
۵- کارخانه سلسل سازی.

بعد نبال افزایش قیمت غذای روزانه  
کارگران و امتناع آنها از خوردن غذا روز  
۱۵/۴/۶۳ تراکمی با عنوان "چرا دو  
تومان اضافه بدیم" با اعضای کارگران  
پیشرو پخش گردید.  
محیط پخش تراکتها که در سه نوبت  
صورت گرفت و کلاً ۱۵۰ عدد بود. تقریباً  
تمامی تراکتها توسط کارگران برداشتمند  
کارگران از انجام پخش بسیار خوشحال  
بنظر میرسیدند. یکی از کارگران به شوخی  
بدوستش گفت: فلانی، حالا دیگه برای  
ما اعلامیه پخش می کنی؟ رفیقش در جواب

دیده. و یا کارگر دیگر بدوستش گفت:  
"فلانی نینم دیگه اعلامیه چاپ کنی ها."  
او نیز در جواب گفت: "می گم و به هیچ  
کس مربوط نیست". حدود ۱۰ دقیقه پس  
از پخش، بازرسی و حراست توجه پخش  
شدند و بسیار دستچاه شده بودند. از  
روز بعد، حراست و بازرسی تکبایان مسلح  
در مقابل کارخانه گذاشته بودند تا از هر  
گونه پخش جلوگیری نمایند و کارگران نیز  
با تسخیر مزد و تسلیم نگاه کرده و گفتند:  
"عجب خرهاش هستند، فلان فلان  
شده ما می خواهند چه کسی را بگیرند."  
همچنین از روز بعد از پخش، بازجویی از  
کارگرانی که شروع کننده حرکت اعتراضی  
بودند شروع شد.

۶- فرماندهی واد پیرت استند امسی  
نمروی در یائی (تهران نو)  
تاریخ پخش - ۱۳۶۳/۷/۱۰  
تعداد و نوع اعلامیه ۱۰۰ عدد  
نشریه کار ۱۸۳ ویژه جنگ، ۸۰ عدد  
اعلامیه کارگران در هردو رژیم به یکسان  
غارت می شوند.

ساعت ۲ بعد از ظهر عملیات پخش  
آغاز شد. پرسنل در حال خروج بودند  
مردی حدود ۲۵ ساله با تعجب گفت:  
"چه جور می پخشند، عجب سریع کار  
کردند، در این موقع مردمی روشو به  
در جمع آوری جوانی گفت: "چه کسانیه پخش  
کردند؟" و او جواب داد: "دو نفر  
بودند، دیگه گفت: بنظر می آید مسلح  
باشند". در این لحظه چند همافر به  
پرواشتن نشریه پرداختند، یکی از آنها  
که حدود ۲۸ سال سن داشت گفت: مال  
سازمان چریکهای فدائی خلقه.  
بعد دلیل حجم زیاد نشریه تعدادی که  
همراه می بردند زیاد نبود و اکثری پس از  
خواندن تیتر مطالب، نشریه را راه می کردند  
و می ترسیدند با خود حمل کنند.  
۷- کارخانه باهر.

تاریخ پخش ۱۳۶۳/۱۰/۲۳  
نوع و تعداد - ۱۵۰ عدد نشریه کار،  
۱۸۳ (ویژه جنگ)  
ساعت پخش ۲/۳ دقیقه، ساعت  
خروج کارگران  
بعد دلیل سنگینی نشریات، پخش بصورت  
وسیع صورت نگرفت و عمدتاً در دو سه  
نقطه ریخته شد، این بار تعداد کمی از  
کارگران موفق شدند نشریه بردارند زیرا که  
مزدوران انجمن اسلامی خیلی بی سرسب  
اقدام کردند و نشریات را جمع آوری کرده  
و برای اینکه کارگران را از برداشتن نشریه  
بازدارند همسریک وار فریاد می زدند مال  
تود ما هست، اما یکی از کارگران برای  
خنثی کردن تبلیغات مزدوران انجمن  
اسلامی گفت: "هی بگید کار پیدا نمیشه  
این کار درست. دقیقه پس از  
زمان پخش، گشت گیتیه از راه رسید و به

محضر مشاهده نشریه کار، ماشین ریاکار  
کرده نشریات را از انجمن اسلامی گرفته  
و بعد داخل ماشین بردند. یکی از  
پاسد اران مسلح هم بصورت آماج مانتر در  
وسط خیابان مقابل کارخانه ایستاد اما  
همه مزدوران حالت ترس و دلواپسی  
داشتند و حتی پس از حرکت سرویس ها  
در محل باقی مانده بودند.  
۸- شرکت مخابرات (سید خندان)  
ساعت پخش ۶ بعد از ظهر  
تعداد و نوع - نشریه کار ۱۸۳ (ویژه  
جنگ) ۲۰ عدد.

منطقه شلوغ و پررفت و آمد بود. در وقت  
اتوبوس مقابل شرکت مخابرات حدود ۲ نفر  
ایستاده بودند که اغلب کارگردانان شرکت  
مخابرات بودند. نشریه در همین محل  
پخش شد. اما آنها که در وقت اتوبوس بودند  
و با اتوبوس پیاده شده بودند و لا شده  
و نگاه می کردند، بینند نشریه متعلق به  
کدام سازمان است. برخی هم برداشته  
انرا تا زده و با خود می بردند.

پسر جوانی یک نشریه برداشت و همچنان  
زده و گفت: مال چریکها فدائیه  
دو سه نفر نیز پس از مشخص شدن اینکه  
نشریه متعلق به کس است انرا لوله کرده و با  
خود می بردند. آنها تیپ زحمتکش داشتند  
آنها هم که در اتوبوس بودند سرشان را از  
شیشه بیرون آورده تا بفهمند موضوع چیست  
چون تقریباً یک وضعیت غیرعادی پدید  
آمده بود.

تمامی این وقایع حدود یک ربع بطول  
انجامید و طی این مدت تمام نشریات  
بتوسط مردم برده شد و حتی یک نمونه  
از پاره شدن نشریه مشاهده نشد تنها یک  
نشریه که کنار کیوسک روزنامه فروشی افتاده  
بود بوسیله یک حزب الهی که مسئول دکه  
بود با نوک پا بعد اخل جوی آب انداخته  
شد.

در این موقع یک گشت ثارالله در مقابل  
هتل جنگجوگان متوقف شد و شروع به  
صحبت با ناظرین کرد. این حرکت مزدوران  
نشان میداد که در آن محل اطلاعات  
۳۶ ملبونی جمهوری اسلامی توانسته  
وظیفه ضد انقلابی را با انجام رساند.  
مواردی از پخش نیز که در صف  
اتوبوسها املا اتوبوسهای کرج و با ساختن  
پزندگان بازار شانزله میزه و... صورت گرفته  
به دلیل تشابه عکس العملها ضرورت بهمان  
کامل گزارش منفی است.

در جمع بندی از گزارشات پخش، بهمان  
چند نکته ضروری است:  
۱- استقبال تودما از اوراق تبلیغی  
فوق العاده قابل توجه است و بویژه کارگران  
کتر هراسی در برداشتن نشریات و پسا  
اعلامیه ها و گاه "مطالعه غلی آن بخود  
راه می دهند.  
۲- عکس العمل رژیم در مقابل پخش  
نشریات فوق العاده بقیه در صفحه ۱۵

## مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دمکراسی جدا نیست

پیام هیئت تحریریه...

آن به پیچیده کافی نبود. پس از انتشار اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان در مورد وضعیت مالی تشکیلات و اطلاع تودم‌های هوادار از آن، سازمان بصورت بسیار محسوس برانگیز و انقباض آفرینی، بانکهای مالی نیروهای هوادار روپوشد. بخش‌هایی از این کلک‌ها، بیاتر و ضعیف‌تر، مالی کارگران و زحمتکشان بود که سهمی از درآمد ناچیز خود را برای پیشبرد وظایف انقلاب، به سازمانشان اهدا کرده بودند. ما به وجود این روحیه در میان نیروهای هوادار خود که لازمه هرگونه حرکت انقلابی است و شرط ضروری پیروزی است انقباض کنیم و همسرانیم تا پیروزی نهائی کارگران و زحمتکشان ایران یک دم از پای نمانند و با درک اهمیت مسئولیتی که این روحیه برعهده سازمان ما می‌گذارد، ضمن اظهاراتشان و تشکر از همه رفقا و همه انبساطی که سازمان ما را در این امر مهم و ارزنده یاری نمودند، اولین برنامه را در پیش خود را آغاز می‌کنیم. ما از کارگران انقلابی و کلیه هواداران سازمان می‌خواهیم با ارسال نظم اخبار و گزارشات و پیشنهادات خود، ما را در هرچه بهتر و گسترده‌تر کردن برنامه‌های یادگیری بنمایند. فضای هرچه بیشتر این برنامه‌ها در گستره برخورد هرچه فعالیت‌تر شماست. را در پیش حدای فدائی باید در پیش و هم‌امضا نشریه‌ها را در میان سراسری سازمان و دیگر نشریات محلی، رشد ظرفیت جنبش تودم‌های مردم ایران را سازمان دهد. صفوف آنها تشکیل نماید و خیزش‌های نوین انقلابی گمنامی را هرچه بیشتر در این زنده ارتباط آنها را با یکدیگر برقرار سازد، حوزه‌های کوچک ارتباط‌گیری را به شبکه

انبوهی از سیستم ارتباطی تبدیل کند. اخبار و گزارشات مبارزات برانگیزه مردم را بطور منظم و موقوت به یک جنبش برساند و مبارزه همه‌جانبه‌ی طبقه کارگر ایران را سازمان دهد و بنیادهای حزب انقلابی نوینی را بی‌افکند که صلح و میهن‌ها تن از کارگران و زحمتکشان سراسر ایران را در یک قیام سراسری علیه رژیم جمهوری اسلامی سازماندهی و هدایت نماید. ما قطعاً پیروز خواهیم شد.

هیئت تحریریه حدای فدائی



**برنامه عمل**  
سازمان را  
بهر طریق ممکن  
بمیان توده‌ها بپرید!

### بخش نشریات...

حادث است پیروز در ماههای اخیر که حرکات و اغراضات کارگری و صنعتی بیشتر یافته است کنترل مزد و روان رژیم در مقابل کارخانه‌ها شدت بیشتری گرفته است. در بسیاری از کارخانجات علاوه بر کارگران مزد و مسلح، راهبهای خروجی کارخانه را بجز یک راه که قابل کنترل باشد هیچ‌کس نمی‌داند بعنوان مثال در مقابل کارخانه تولید آرد بعد نیال چند بخش موفقیت آمیز، اطاقک نگهبان در سردر کارخانه تعبیه شد و راهبهای خروجی کارخانه سهم توری کشید. شده است و مواردی از بازجویی پس از بخش نیز در کارخانه‌ها مشاهده شده است.

برای مقابله با سیاستهای بازدارنده رژیم ضروری است که اولاً حجم اوراق تبلیغی کم بوده و به راحتی قابل حمل و نقل باشد. در این رابطه اقدامی که صورت گرفت عبارت از این بود که از این بهر حجم ضمیمه خبری از ۱۰ صفحه یعنی دو برگ متصل بهم تجاوز نکند. اما دفعات انتشار آن افزایش یابد. به این ترتیب ضمیمه خبری کار ۱۸۵ در دو شماره انتشار یافت. در صورت حجم بودن نشریه مثلاً ویرنامه‌سنگ، تبلیغاتی‌ها نمی‌تواند پذیرد زیرا که بعد لیل حجم زیاد حمل و نقل آن توسط تودم‌ها ممکن نیست و هم پست کردن، یک نشریه و صفحه‌های امکان رسیدن آنها به مقصد کاهش می‌دهد. نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، سال بازرسی نامه‌های پستی در کارخانجات است. از اینرو پست سرخ باید مستقیماً با شناسائی قبلی از محل سکونت کارگران برایشان ارسال گردد.

### خلفتهای سراسر ایران



امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکاء دشمن عموم کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم سراسر جهان است. امپریالیسم، ایران را به یک کشور تحت سلطه و وابسته تبدیل نموده است. سازمان حرکت‌های فدائی خلق ایران که علیه امپریالیسم و سلطه آن پییکار میکند، در برنامه خود برای برانداختن سلطه امپریالیسم و طبع هرگونه وابستگی به آن، حواهان ملی کردن کلیه سرمایه‌های بزرگ داخلی، ملی کردن کلیه سرمایه‌های متعلق به انحصارات بین‌المللی، ملی کردن بانکها و ملی کردن تجارت خارجی و اعمال کنترل کارگری بر تولید و توزیع و حواستار اعزاء کلیه درآورد‌های اسارتبار است. هنگام با جایزه برای ده‌ها سال، مبارزه علیه امپریالیسم و سلطه آنها تشدید شد.

ناپود یاد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکاء و پایگاه داخلی سازمان حرکت‌های فدائی خلق ایران

# ساخت اقتصادی...

امورات مربوط به مسائل شرکتهای مانند تصمیم گیری در مورد کاشت، ۰۰۰ سرمایهگذاری ۰۰۰، همچنین انجام می پذیرد. از اینرو، بیگانگی و هفتادان نسبت به شرکت های سهامی زرفی و دستگاه اداره کننده آنها عیبیاتی فراهم آورد که حتی در مواردی که در آمد و هفتادان در اثراجرای طرح افزایش یافته بود و مد های از روستائیان سهامدار اظهارتاریک بنامندلال شرکتهای بانسی گرفتن زمینهای خود کنند. دستهایی به این خواسته روی نماند، زیرا که شروع جنبش انقلابی در سال ۱۳۵۷، هفتادان روستاهای تحت پوشش شرکتهای عکس العمل خود را نسبت به اعمال سرمایه حاکم که به طرف پیروگرانی و لاجباری انجام پذیرفته بود باحاطه به تاسیسات شرکتهای تقسیم مجدد زمینها نشان دادند. در نتیجه، تعداد زیادی از شرکتهای نابود شدند. بطوریکه از کل تعداد ۹۵ شرکت سهامی زرفی موجود در سال ۱۳۵۷، ۱۰۰ شرکت از میان رفته و هم اکنون تنها شرکت باقی مانده ماند.

## گشت و صنعت ها

گشت و صنعتها، اصولاً به واحدهائی اطلاق میشود که تولید، تبدیل و حمل و انبار کردن، تامین مالی و تنظیم و بازار بایی مواد غذایی را در سطح جهانی بعهده داشته باشند. این واحدها عموماً به شرکتهای چند ملیتی و بانکهای بین المللی سازمانهای بین المللی، وام، آژانسهای توسعه بایی مواد غذایی را در سطح جهانی بعهده داشته باشند. این واحدها عموماً به شرکتهای چند ملیتی، بانکهای بین المللی سازمانهای بین المللی وام، آژانسهای توسعه ملی و اتالیبم تعلق دارند. در حقیقت، گشت و صنعت به سببی گفته میشود که فعالیتهای مراحل مختلف پذیر پاشی نامریی را در برگیرد. اینگونه واحدها در سرآمدن نیای سرمایه اری ایجاد شده و برای بازارهای بین المللی فعالیت می کنند. واحدهای گشت و صنعت را کلاً میتوان برودسته تقسیم کرد. برخی از این واحدها در پیرو تولید کشاورزی کاشت، داشت و برداشت) مستقیماً فعالیتهای نه داشته و از طریق قرار در بانکها و ازان محصول اولیه کشاورزی خود را بدست می آورند و در حالیکه در برخی دیگر، مراحل کشت و داشت و برداشت را هم خود مستقیماً بعهده می گیرند. چنانچه در زیر می آید، گشت و صنعت های عمده در ایران از نوع دوم هستند.

فکر ایجاد واحدهای گشت و صنعت در ایران در دوره برنامه هفت ساله دوم یعنی در حقیقت اواخر دهه ۱۳۳۰ با دستار سرمایه ایران غربی از خوزستان پیدا شد.

معدنک طی چند سال بعد هیچ اقدامی از جانب آنان جهت سرمایهگذاری در خوزستان بعمل نماند. ولی اولین واحد گشت و صنعت توسط دولت در هفت تپه احداث شد و در سال ۱۳۴۳ به مرحله بهره برداری رسید. در سال ۱۳۴۸ قانون ایجاد شرکتهای برای استفاده از زمینهای زرفند به تصویب مجلس رسید که بر اساس آن بعد از تملیازه بید از زمینهای مزبور برای سرمایهگذاری آزاد کند. بنابراین زمینهای به مساحت ۴۰۰ هزار هکتار به وزارت آب و برق واگذار شدند و آنها کشت و صنعتهای گوناگون احداث نمود.

بر طبق همین قانون ظاهراً اراضی بکر به وزارت آب و برق واگذار شد، ولی واقعیت غیر از این بود. بعنوان مثال در خوزستان که اولین واحدهای گشت و صنعت به شرکت سرمایه اریان خارجی تاسیس شد، زمینهای به مساحت ۱۰۰ هزار هکتار بخش گشت و صنعت واگذار گردید. این زمینها حدود ۸۵ روستا با جمعیتی حدود ۴۰ هزار نفر (۶۵۰۰ خانوار) را در بر می گرفت. بنابراین اولین اقدام دولت برای آزاد کردن زمین، می بایست به زمین رانان روستائیان مزبور از روستاهای مزبور باشد. از اینرو، قانون مذکور به وزارت آب و برق اجازه داد زمینهای این هفتادان را از قرار هکتاری ۴۰۰۰ ریال برای مزارع و ۲۵۰۰۰ ریال برای باغات، یعنی همان قیمتی که چند سال قبل به آنان فروخته شده بود، خریداری کند. روستائیان تنها سبب انتخابی که داشتند، فروش اراضی بود که از این بابت پول بسیار ناچیزی بدست می آوردند. زیرا که اولاً قیمت در سطح نسبتاً نازلی تعیین شده بود و ثانیاً بخش قابل ملاحظه ای از همین مبلغ ناچیز نیز از بابت بد هکاری روستائیان در امر خرید زمینها) بر اساس اجرای اصلاحات ارضی) از کل پول پرداختی کسر می شد. نتیجه عمل این سیاست دولت، آوارگی تعدادی حدود ۶۵۰۰ خانوار روستائی بود که عمدتاً بجز پیش برداختی از طرف دولت، ثروت دیگری نداشتند. بنابراین بازار کار تنها پناهگاه آنان می توانست بشمار آید.

آنچه مسلم است، روستائیان با رضایت خاطر و بدون مقاومت زمینهای آب و اجدادی خود را ترک نکردند. در اینجا نقش قهر (به صورت قانونی و غیرقانونی) تعیین کننده بود. بدین معنی که دولت با تصویب قانون فوق الذکر، خرید اجباری اراضی و بالاخره استفاده از سرزمین مزبور از سوی زرفند در را برای بهره برداری سرمایه اریان خارجی و داخلی مباد کرد. علاوه بر قهر، دولت از اختلافات قومی در محل (مانند اختلاف میان فارسی و عرب) نیز سود جست و نخست بنگل فارسی ریانان (گنبد تا) از آمدن آنان و بزرگمستقله آمده بودند) عربهای بومی را بیرون راند و سپس فارس را از منطقه خارج ساخت. بدین

ترتیب زمین برای سرمایه گذاری و بهره برداری گشت و صنعت ها آماده شد. اگرچه استان خوزستان از نقطه نظر احداث شرکتهای گشت و صنعت در مرتبه نخست قرار داشت، ولی تنها استانی نبود که در آن این واحدها احداث شدند. تا سال ۱۳۵۳، واحدهای بزرگ گشت و صنعت در استانهای دیگر نیز بدست آمدند و بعنوان مثال، در جیرفت با ۲ هزار هکتار، در مهاباد با ۲۰ هزار هکتار، در بخت سفان، ۰۰۰ و دولت همچنان در نظر داشت که در جهت گسترش این واحدها اقدامات دیگری بعمل آورد. علاوه بر مباد کردن زمین و یاد ر حقیقت عرضه زمین به سرمایه اریان داخلی و بین المللی، دولت عهده دار احداث شبکه آبرسانی و تسطیح زمین نیز در خوزستان بود. برای انجام این امر تا پایان برنامه چهارم (۱۳۵۱) دولت حدود ۱۰ میلیارد ریال صرف شبکه آبرسانی کرد. برای تکمیل آن طی برنامه پنجم نیز میلیونها صرف کرد. در مقابل صرف این هزینه، قرار بود که شرکتهای گشت و صنعت آب بهائسی معادل ۲۵۰ ریال برای هر هکتار در سال بهره ازند، که در مقام مقایسه با هزینه کل پروژه مبلغ بسیار ناچیزی را تشکیل می داد. بهر حال، آب و زمین تنها عاملی نبودند که دولت شاه بهمن بخش در اختیار سرمایه اریان بین المللی قرار داد، بلکه این سرمایه اریان از مزایای دیگری نیز بهره مند شدند که بعنوان مثال می توان به موارد زیر اشاره داشت:

- شرکتهای گشت و صنعت اجازه یافتند تا جدیدترین وسائل و تجهیزات و نیز نهادهای کشاورزی (مانند کود شیمیائی) را بدون پرداخت حقوق گمرکی وارد کنند. بدین ترتیب شرکتهای مزبور به همان اندازه تراکتورهای (رومائی) مونتاژ ایران میتوانند مورد استفاده قرار گیرند و بیشترین وجه بدست آورده را از آمریکا وارد کردند و با اقدام به وارد کردن برخی انواع کود شیمیائی کردند که در ایران ساخته نمیشد. - شرکتهای مزبور از وامهای کلان با بهره نسبتاً کم دولت بهره مند می شدند. نرخ بهره حدود ۹/۵ درصد برای گشت و صنعتها بود که ظاهراً کمتر از نرخ بهره ای بود که بانکها از بکروام گیرندگان دریافت می داشتند. میزان وام نیز بسیار سخاوتمندانه و کلان بود. بعنوان مثال، طبق گزارش دفتر خدمات بدین جهت، در سال ۱۳۷۶ چهار شرکت یعنی ایران - کالینریس، ایران شلکات، گشت و صنعت ایران و آمریکا، شرکت کشاورزی بین المللی ایران) مجموعاً مبلغی حدود ۲ میلیارد ریال وام گرفتند. برای درک سیاست دست و دل باز دولت نسبت به این شرکت، میتوان به مقایسه زیر دست زد: در حالیکه در سال ۱۳۵۵ (۱۹۷۶)، حدود ۲/۷ میلیون خانوار روستائی مبلغی حدود ۲/۴ میلیارد ریال وام گرفتند، چهار شرکت بقیه در صفحه ۱۷





# ساخت اقتصادی...

فوق الذکر از وامی به میزان ۲ میلیارد ریال بهره مند شدند با بهر حال، علیرغم تمامی این تسهیلات و امتیازات، این کشت و صنعتها در اوائل دهه ۱۳۵۰ یعنی قبل از رسیدن به مرحله بهره برداری کامل، ورشکست شده و دولت ظاهراً مجبور شد عهده دار اداره این شرکت ها شود. غیر از شرکت های کشت و صنعت کارون و هفت تپه خوزستان، صفان در آذربایجان و برخی دیگر هم زمان با آغاز جنبش انقلابی در سال ۱۳۵۷ تأسیسات شرکت های کشت و صنعت (خصوصاً در خوزستان) مورد هجوم روستائیان قرار گرفت. بعنوان مثال، کشت و صنعت های بین الطلی فوق الذکر، کلاً از میان رفته، زمین های آنان تقسیم شد و تجهیزاتشان به محل گوناگون از میان رفت.

خلاصه کنیم - در این مقاله مجموعه شیوه های تولید و قسرنندی دهقانان در روستاهای ایران بطور اجمالی بررسی شد. در تصویر از ساخت اقتصادی - اجتماعی روستاهای ایران قبل و بعد از اصلاحات ارضی بدست داده شد و روند گذار از اولی به دومی تشریح شد. در دوره قبل از - اصلاحات ارضی، در شیوه تولید فتود الی - داری بگونه های بهم آمیخته روستاها می بود. شیوه تولید فتود الی - باتوجه به درامد کمش با شیوه تولید سرمایه داری وجه سلطه اما میرنده و شیوه تولید سرمایه داری وجه پویا و رویشند ساخت اقتصادی روستاها را تشکیل می داد. بدین طریق بخیرمد های از ارزش تولید شده توسط تولید کنندگان به واسطه بصورت بهره مالکانه که مزارع (بهرجمنی مخفی) وجه غالب آن بود، بدست استعمارکنندگان می رسید. اگرچه توسعه سرمایه داری در ایران حدوداً از یک دهه قبل شروع شده بود، لیکن حاکمیت دولت فتود الی و سپس نیمه فتود الی (با مشخصه نفوذ شدیدی نمایندگان سیاسی فتود الیسم در حکومت) وسلطه استعماری امپریالیسم، دوران گذار از فتود الیسم به سرمایه داری را طولانی و بطش ساخت و ساختارگذاری با مشخصه مجموعه بهم آمیخته از شیوه تولید فتود الی و سرمایه داری را جان سخت نمود. اما زمینهای که توسعه سرمایه داری فراهم نموده بود، به علاوه بحران اقتصادی - سیاسی اوایل دهه ۱۳۳۰ که اساساً تناقضات روستاکامل ساختارگذاری را منکسر می نمود، لزوم تغییر در ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه که محور آنرا اصلاحات ارضی شکل می داد را بیش از پیش ضروری گرداند. لزوم این تغییر نه تنها با سیاستهای نو استعماری امپریالیسم هم خوانی داشت، بلکه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بنظر از میان برداشتن موانع فتود الی تسلط سرمایه -

داری وابسته بر ایران و ادغام ارگانیک آن در سرمایه داری جهانی و همچنین تثبیت قدرت دولتی و از میان برداشتن زمینهای جنبش های رهاش بخش ضد استعماری ضد فتود الی و از این طریق مقابله با کونیسم و جنبش های (بالقوه) توده های، رژیم را جهت تغییرات مورد نظر خود تحت فشار قرار داد. بدین ترتیب در خلاصه یک جنبش انقلابی - دموکراتیک، شیوه ارتجاعی - بورژوازی حاکم تناقضات دوران گذار بهر جامعه سلطه شد که در محور آن اصلاحات ارضی امپریالیستی قرار داشت. برنامه اصلاحات ارضی طی چندین مرحله به طور اجمالی انجام داد که در یک شماری عمومی، هر مرحله از یکسو بپایانید مبارزه طبقاتی و از سوی دیگر با توسعه سرمایه داری و روبه انحصار گذاردن سرمایه حاکم انطباق نسبی داشت. با اجرای این مراحل چند نتیجه حاصل شد: اولاً نیروی کار برای صنایع و بخصوص کارهای غیر تخصصی (مانند ساختمان و جاد سازی و...) از دهقانان خرد به دست داده شد. فواید - ثانیاً در روستاها شرایطی نسبتاً مناسب برای سرمایه گذاری پیدا شد که همزمان با رشد سرمایه انحصاری، در روستاها امکانات بیشتری در اختیار سرمایه داری قرار گرفت؛ ثالثاً عرضه کالا های کشاورزی در مراکز شهری گسترش یافت بطوری که اغلب روستائیان با بازار ارتباط برقرار کردند و بدین ترتیب تولید کالای در روستاها گسترش یافت؛ رابعاً کالا های ساخته شده در مراکز شهری به روستاها دور و نزدیک نفوذ کرد و بدین ترتیب بازار داخلی محصولات صنعتی گسترش نسبی یافت. از نقطه نظر شکل بندی طبقات، اصلاحات ارضی و تحولات اقتصادی پس از آن، قسرنندی روستائیان را شدیدا تقویت کرد که مهمترین نتیجه آن از یکسو گسترش سریع و وسیع کارگران و نیمه بکارهای روستایی بود و از سوی دیگر بورژوازی روستا و نیز سرمایه داری کشاورزی تقویت شده و اقدام به استفاده از ماشین آلات کشاورزی در کاشت و داشت برداشت کردند. اصلاحات ارضی بورژوا - امپریالیستی دهه ۱۳۴۰ مناسبات سرمایه داری را در روستاها سلطه کرد و آنرا گسترش داد، اما این گسترش ناموزون بود. بطوریکه درجه توسعه سرمایه داری در مناطق مختلف شدت تفاوت بود و حتی در یاری های از نقاط بقایای فتود الیسم همچنان بورژوازی سنگینی می کند (کردستان، سیستان و بلوچستان). به علاوه بعلمت تسلط راه پروری توسعه سرمایه داری، اصلاحات ارضی - بمعنی تجدید و تعدیل مالکیت زمین و درآمد ناشی از آن - عملکردی نیافت و به دلیل مجموعه ای از عوامل که در رأس آن برآیند مبارزه طبقاتی قرار داشت، چنین هدفی را اصولاً نیال نی کرد. و بالاخره بعنوان نکته خانه باید توجه داشت که توسعه سرمایه داری و قطب بندی شده طبقات در روستاها بمعنای افزایش بهره وری در بخش کشاورزی (باتوجه

به درجه توسعه سرمایه داری در هر برهه از زمان) و تأمین انواع محصولات کشاورزی اعم از غذائی و یا صنعتی از داخل نبود، بلکه برعکس، از یکسو به دلیل گسترش سریع شهرنشینی و تزریق درآمد های هنگفت نفت به جامعه (خصوصاً مراکز شهری) شرایط فراهم آمد تا تقاضا برای انواع محصولات کشاورزی سریعتر از عرضه این محصولات افزایش یابد؛ و از سوی دیگر پائین بودن نرخ سود در بخش کشاورزی، در مقایسه با بخش های اقتصادی سرمایه گذاری در این بخش را کند می کرد. این مشخصه بخش کشاورزی در ایران پس از اصلاحات ارضی، بویژه بعد از افزایش قیمت نفت بارزتر شد. رژیم شاه بخش عظیمی از درآمد حاصله از نفت و رفعت را به جامعه تزریق کرد و این امر بویژه از طریق رونق فزاینده صنایع ساختمانی، موجب افزایش شدید تقاضا برای نیروی کار شد. این افزایش از یاد سطح دستمزدها در مراکز شهری و در نتیجه گسترش رونق مهاجرت روستائیان به شهرها را در پی داشت. اختلاف سطح درآمد در شهر و روستاها باعث از راهی زیاد شد که ده هزاره ای از روستائیان خرید می کار کشاورزی خود را رها کرده و به همراه کارگران کشاورزی در شهرها بکارگری پرداختند. فرار نیروی کار جوان و فعال از روستاها و در نتیجه افزایش دستمزدها در این مراکز باعث تثبیت نسبی قیمت کالا های کشاورزی همراه بود. مجموعه این عوامل موجب کاهش نسبی نرخ سود در کشاورزی و در نتیجه رکود این بخش اقتصادی شد که این خود بفرار سرمایه و نیروی کار از بخش کشاورزی شدید امر امن می زد.

بهر حال، باتوجه به آنچه که مختصراً در ساخت اقتصادی روستاها و قسرنندی دهقانان بیان شد، و باتوجه به روند سه ساله ارضی و دهقانی پس از قیام بهمین ماه که در مقاله "سیری برساله ارضی" ارائه شد، مشاهده می شود که سه ساله ارضی بخانه از میان برداشتن مناسبات تولید ماقبل سرمایه داری و بسط مناسبات سرمایه داری اساساً و من حیث العموم تحقق یافته است. با این وجود بطوریکه مشاهده شد معضلات بخش کشاورزی و مسائل دهقانی همچنان پابرجا است.




# پیام هیئت تحریریه صدای فدائی:

آغاز فعالیت صدای فدائی و طولانی شدن دوره آزمایشی

سازمان پیشتاز طبقه کارگر ایران، بسیار سرفرازیم تنها سازمان سیاسی ایران بودیم که با استمرار کامل انتشار یک نشریه سراسری، در سخت ترین و خفقان آمیز - ترین شرایط پلیسی، این ارتباط را حفظ کرده و بدان شکل منسجم تری درآمیم. اما علیرغم این تلاش، اختلاف پلیسی رژیم جمهوری اسلامی، که حتی با خشن ترین حکمتهای فاشیستی هم قابل قیاس نبود، و نیست، مانع از آنست که نشریه کارگران سراسری سازمان بتواند بمراحتی در اختیار توده وسیع مردم و بویژه توده طبقه کارگر ایران قرارگیرد. از اینرو ایجاد یک مرکز رادپوشی بمنابۀ ارگان ارتباطی سازمان با توده های انقلابی به یک امر اجتناب ناپذیر تبدیل شد و از اولین ماههای سال ۶۰ یعنی از همان اولین روزهای آغاز تعرض آشکار و علنی رژیم بمسازمانهای انقلابی و جنبش توده مردم، در دستور کار سازمان قرار گرفت اما ضربات سخت اسفند ماه ۶۰ مشکلات ناشی از آن، اقدامات عملی برای تاسیس رادپوشی نیمه کاره گذاشت و همه انرژی سازمان، روی سازماندهی مجدد و انتشار منظم نشریه کارمنا به اهمیت نقش سازمان در آن متمرکز گردید.

سازمان پس از فائق آمدن بر مشکلات ناشی از ضربات اسفند ماه، مجدداً - فعالیت جدیدی را برای ایجاد رادپوشی آغاز کرد و علیرغم همه دشواریهای فنی و مشکلات مالی، اولین فرستنده رادپوشی سازمان بویژه بهیاری سروده انقلابی بصورت آزمایشی در اواخر سال گذشته شروع به کار کرد. اما متأسفانه بدلیل همان ضعف مالی، دوره آزمایشی رادپوشی طولانی نشد و نتوانست برنانه های عادی خود را سریعاً آغاز نماید. هرچند در طی تمام این مدت، تنها و فقط با جدیت و پشتکار دائمی رفقای فنی رادپوشی صدای آزمایشی از وطن ناپستاد ولی ابزار و وسایل ضروری برای استقرار دائم بقعه در صفحه ۱۵

**کردستان انقلابی...**



در صفحه ۱۱

بزرگترین رویداد های جهان مطلق کم و در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی، با شد بدترین فشار و خفقان، با تور و تهر- باران و شکجه باوحشیانه ترین شیوه سرکوب پلیسی، حد اقل ارتباط میان مبارزه انقلابی توده های مردم را بسیار دشوار کرده است، شمار رادپوشی اخبار مبارزات جنبش های انقلابی منطقی و جنبش های وسیع محلی قرار آید و مبارزه اختصاصات کارگری کارخانجات عظیم صنعتی بمنابۀ سنگ بنای پیروزی انقلاب ایران قرار دهد. اما اینهمه کافی نیست، هیچ جنبش محلی، هیچ اعتراض پراکنده و هیچ اعتصاب منفرد کارخانه ای و غیره نمی تواند کارگران و زحمت- کشان انقلابی ایران را به پیروزی عظیم خود برساند و اینهمه بدون تشکیک، بدون ایجاد ارتباط عمیق و بدون سازماندهی واقعی آن ممکن نخواهد گشت. پیروزی مادر گروه سازماندهی و تشکیک ماست. ما بمنابۀ

کارگران، زحمتکشان، مردم ریزنده و انقلابی ایران!  
از مدتها پیش سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار یک جمهوری دموکراتیک را که در آن حد اکثر آزادیهای سیاسی اجتماعی مردم زحمتکش مبین ما نامبرن شده باشد، بمنابۀ وظیفه فوری سیاسی در دستور کار خود قرار داده است. این وظیفه، امروز با بندهایش جریتهای پیولاد جنبش توده های در تهران و بعضی شهرهای بزرگ ایران هرچه بیشتر برجسته شده است. ما بسیار سرفرازیم که در چنین شرایط پرفروشی می توانیم صدای خود را به گوش شما کارگران آگاه و انقلابی، زحمتکشان مبارز و همه مردم بیدار و آزادخواه ایران برسانیم. ما بسیار خوشوقتم از اینکه می توانیم در این لحظات حساس تاریخی، شمار از جریان واقعی اخبار ایران و

## یادداشتهای سیاسی

### اجرای قوانین قرون وسطائی بانگتولوزی پیشرفته

شرایطی که فقر و فلاکت بیدار می کند و به همین دلیل نیز دزدی و سرقت افزایش چشمگیری یافته است، این سرپرست عزیز پلیس قضائی با وقاحتی وصف ناپذیر در مورد افزایش سرقتها و سرقتها می گوید: " تصور نمی کنم که در جمهوری اسلامی کسی باشد که در رابطه با تنبیه نان و یا پوشاک و سایر چیزهای دیگر این کار را انجام دهد." زهی وقاحت و بی شرمی!!  
در حالیکه بیشترین دزدی ها، کلاه برداریها، اختلاسها و... توسط سردمداران و مقامات بالای حکومتی صورت میگیرد اما دزدان خرد و یا هیواره به نام می افتند و از این پیش شاهد آن باشیم که با یکار افتادن ماشین بزن هر روز برخیل معلولان جامعه افزوده گردد و شاید که این مهربانان جمهوری خون و جنایت اسلام پناهان بیش از پیش رسوایشان سازد.

از مدتها پیش که قانون ارتجاعی قاص مورد تصویب رژیم قرار گرفت، اجرای حد شرعی سرقت که عبارت از بریدن دست بود در دستور کار جلاان خمینی قرار داشت. و مواردی بسیار نیز به مرحله اجرا درآمد. اما اخیراً جمهوری اسلامی موفق شده است تا این عمل جنایتکارانه را با توسل به بازارهای مهربان علی مازد بطوریکه در کیهان ۳۰ آبانماه، سرپرست پلیس قضائی اعلام کرده است: " پلیس قضائی وسیله ای بنام ماشین بزن برای قطع دست سارقین که بسیار سریع عمل می کند آماده کرده است." این وسیله جدید قطع دست بنابه گفته سرپرست پلیس قضائی، مورد نظرخواهی مراجعین در صلاح نیز گویا قرار گرفته است از جمله پزشکی قانونی، وزارت بهداشت، دانشگاه های پزشکی دانشگاه تهران و دانشگاه بهشتی در مورد آن نظر داده اند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق